

با تمام توان خود ماهیت ارتجاعی جنگ را افشا و با مقاومت مسلحانه خود از منافع زحمتکشان دفاع کنیم

کارگران و زحمتکشان متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم - شماره ۷۹ پنجشنبه ۱۷ مهر ماه ۱۳۵۹ کت پنج ایلات شهرانوز Iranische Bibliothek in Hannover صفحه ۶ - ۲۰ ریال

# اثرات زیانبار جنگ بر زندگی توده‌های زحمتکش

این جنگ منافع امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته نهفته است. اینکه با امپریالیسم مستقیماً در راه انداختن این جنگ دخالت داشته‌است و با اینکه سیاستهای این دو دولت به نتیجه‌ای منجر شده که عملاً در بقیه در صفحه ۶

جهانی از آن سود می‌برند. در اینجا صحبت بر سر این مسئله نیست که کدامیک از این دو دولت کمتر یا بیشتر ارتجاعی هستند و کدامیک زودتر جنگ را آغاز کرده‌اند و اکنون در چه موقعیتی هستند. مهم اینست که این جنگ از ماهیت سیاست این هر دو دولت ناشی شده و در پشت

سرانجام سیاست دولتهای ایران و عراق به نقطه‌ای انجامید که جنگ خائنانه‌تری را به توده‌های زحمتکش هر دو کشور تحمیل کرد. جنگی که برای خلقهای تحت ستم ایران و عراق جز فقر و بدبختی، خرابی، گران‌ی و بیگاری، نمرای نخواهد داشت و تنها سرمایه‌داران دو کشور و امپریالیسم

## سرمه‌الله

# جنگ و تأثیر آن بر تضادهای درون هیئات حاکمه

جنگ دولتهای ایران و عراق که از مدتی پیش آغاز گشته‌است بتدریج آثار و عوارض خود را بر کلیه امور و ستون اقتصاد ایران و عراق می‌تاباند. از جمله جنگ کنونی تأثیرات مهمی بر سر ساختار و بطور کلی روابط درونی جناحهای اصلی هیئت حاکمه بر جای خواهد گذاشت این تأثیرات تا حد زیادی به سرنوشت جنگ و وابسته است اگر چه نمی‌توان سرنوشت جنگ، کوتاه مدت و یا دراز مدت بودن آن را از هم اکنون بطور قطع تعیین کرد، اما بدلائل متعدد، از جمله عوامل درونی و بیرونی، وضعیت اقتصاد ایران و عراق، وضعیت نظامی - سیاسی، نقش توده‌ها، و سیاستهای امپریالیسم با احتمال زیاد جنگی کوتاه مدت خواهد بود. وضعیت و ظرفیت اقتصاد ایران و عراق با آنها اجازه یک جنگ طولانی مدت را نمی‌دهد، زیرا ادامه جنگ از یک سو بر بحران اقتصاد ایران و عراق فشار می‌آورد و از سوی دیگر اقتصاد دو وابسته بطور کلی کنش و توان سازماندهی یک اقتصاد جنگی را ندارد. ادامه جنگ و تشدید بحران اقتصاد ایران و عراق، بر بحران سیاسی و نارضایتی توده‌ها خواهد افزود و موجودیت هر دو رژیم را به خطر خواهد انداخت، وابستگی نظامی و توان ارتشهای دو دولت ایران و عراق اجازه یک جنگ دراز مدت را با آنها نمی‌دهد، اگر چه هیچیک از دولتهای ایران و عراق سرسپرد هوامان امپریالیسم نیستند، اما اشتباه بزرگی خواهد بود اگر تحولات روابط ایران و عراق و مسئله جنگ را در خارج از چارچوب سیاستهای امپریالیسم در منطقه خلیج فارس محاسبه کنیم. بقیه در صفحه ۲

## پاسخی به روزنامه جمهوری اسلامی

فحش نامه جمهوری اسلامی که تاکنون با شکارترین وجهی دشمنی خود را نسبت به نیروهای انقلابی نشان داده و سرتاپای این با صلاخ روزنامه همیشه مطواری فحش، دروغ و تحریف حقایق علیه نیروهای انقلابی بویژه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بوده‌است، در شماره ۳۸۳ خود سه شنبه ۸ مهر ماه سازمان ما را متهم به دفاع از عراق و وابسته به پالیسی آنها، اویسی‌ها، معرفی می‌کند. البته این اولین بار نیست که روزنامه جمهوری اسلامی به چنین اتهامات بیشرمانه‌ای علیه سازمان ما متوسل شده است این امر از ماهیت این حزب که دشمنی با نیروهای انقلابی و توده‌های

# حملات دیوانه‌وار و جنایتکارانه رژیم عراق به مناطق مسکونی و توده‌های بی‌دفاع

طی روزهای اخیر رژیم ارتجاعی ضد خلقی عراق با حملات نظامی و بمباران شهرها، مناطق مسکونی، کارخانها و روستاها در خوزستان، تبریز، تهران و... بر اقدامات جنایتکارانه و وحشیانه خود علیه توده‌های زحمتکش افزوده‌است، در طی این حملات تعدادی از زحمتکشان بی‌دفاع میهن ما کشته و زخمی شدند.

این حملات دیوانه‌وار به شهرها و مناطق مسکونی که از ماهیت ضد خلقی و ارتجاعی رژیم عراق ناشی می‌شود، در زمره وحشیگریهایی است که رژیمهای سرمایه‌داری و وابسته علیه توده‌های مردم مرتکب میشوند. آنچه که برای امپریالیسم، سرمایه‌داران و رژیمهای ضد خلقی و وابسته مطرح است، نه جان انسانهای بی‌دفاع بلکه حفظ موجودیت ننگین خود و تأمین منافع امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته است.

نه تنها توده‌های زحمتکش میهن ما بلکه توده‌های بی‌دفاع و تحت ستم عراق نیز از این جنگ‌صدمات جدی می‌بینند.

ما نه تنها اقدامات جنایتکارانه و وحشیانه رژیم ضد خلقی عراق را علیه توده‌های بی‌دفاع و بمباران مناطق مسکونی محکوم می‌کنیم بلکه هرگونه اقدامی را نیز از جانب رژیم جمهوری اسلامی علیه توده‌های بی‌دفاع عراق بسدت محکوم می‌کنیم.

**در این شماره:**

- اخبار کارگری
- لغو سود و بزه
- هزینه جنگ بردوش زحمتکشان
- هزینه‌های سرخ

**جنگ ایران و عراق و تحکیم موقعیت ارتش**

صفحه ۱۴

تتها تسلیح توده‌ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله با هرگونه تجاوز، و برقراری صلح است

# جنگ

## و نائیسر آن بر تضادهای درون هیئت حاکمه

بقیما از صفحه ۱

این مطلب بویژه هنگامی روشنتر میشود که سیاست خارجی رژیم بعث عراق را در منطقه خلیج فارس مورد توجه قرار دهیم. سیاستی که در پی نزدیکی هر چه بیشتر با ارتجاعی ترین رژیمهای منطقه و کوشش برای ایجاد محور عراق - اردن - عربستان سعودی جهت سرکوب جنبشهای آزادیبخش منطقه و مقابله با جنبشهای مترقی است که این خود بیانگر همگرایی روزافزون حکومت بعث عراق با امپریالیسم آمریکاست. بررسی عینی اوضاع منطقه و وابستگیهای گوناگون دو کشور ایران و عراق به امپریالیسم نشان میدهد که سیاست امپریالیسم در قبال جنگ کنونی یکی از مهمترین عوامل در تعیین آینده و سرنوشت جنگ است. ناگفته نروشن است که منطقه خلیج فارس برای امپریالیسم، چه از نظر اقتصادی و سیاسی و چه از لحاظ نظامی یکی از مهم ترین مناطق استراتژیک جهانی محسوب میشود و با وجود تنگه هرمز در خلیج فارس که روزانه میلیونها بشکه نفت از طریق آن بسوی کشورهای امپریالیستی روان است، برای دولتهای امپریالیستی دارای اهمیت اساسی است. روشن است که تا کتیبه گسترش جنگ از سوی امپریالیسم و دام زدن بآن به منظور یک جنگ طولانی مدت نمی تواند تا مین کنند.

منافع امپریالیسم باشد. جنگ دولتهای ایران و عراق گرچه در کوتاه مدت و بطور محدود و بیسود امپریالیسم در جهت وارد آوردن فشار بر حکومت جمهوری اسلامی و تقویت روابط عراق با اردن، عربستان و دیگر رژیمهای ارتجاعی منطقه است، اما طولانی شدن و گسترش دامنه آن موجب میشود که جنبه های جنگ به تمامی منطقه گسترش یافته و موقعیت دولتهای مترقی و شیخ نشینهای خلیج فارس بخطر افتد و امنیت دلخواه امپریالیسم خدشه دار گردد. در حالیکه جنگ دولتهای ایران و عراق در کوتاه مدت کاملاً بسود امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکاست.

جنگ محدود و کوتاه مدت بین ایران و عراق از یکسو با گسترده تر کردن بحران اقتصادی و سیاسی این دو کشور بر وابستگی های آنها با امپریالیسم افزوده و از سوی دیگر در چهار چوب تضادهای موجود بین دولتهای ایران و آمریکا با تقویت جناح لیبرال و ارگانهای سرکوب بویژه ارتش، کفر بسود امپریالیسم تغییر خواهد داد.

اطومسلط امپریالیسم آمریکا نقش بزرگی در بازسازی اقتصاد دو بسته دو کشور جنگ زده خواهد یافت. بازسازی پایلایگاهها، واحدهای پتروشیمی، فولاد و... که در اثر بمبارانهای طرفین آسیب های فراوانی دیده اند، (با توجه به ماهیت حکومت های ایران و عراق) نمی تواند بدون نزدیکی های سیاسی هر چه بیشتر دو کشور با امپریالیسم صورت گیرد.

از سوی دیگر حتی در جنگ کوتاه مدت و محدود این تنه های امپریالیستی اروپائی اند که با بالارفتن بهای نفت زیان دیده و منافع آنی آنان بخطر می افتد زیرا امپریالیسم آمریکا بیشترین میزان نفت مصرفی خود را در آمریکا تولید می کند. بنا بر این یکی از نتایج

جنگ کوتاه مدت برای امپریالیسم آمریکا آنست که در محدوده تضادهای خود با امپریالیستهای اروپائی نقش هژمونیک خود را در منطقه خلیج فارس بیش از پیش تقویت می کند. اعلام بی طرفی و صلح طلبی امپریالیستها مسلماً دروغین بود زیرا نزدیکای عراق به اردن و عربستان سعودی و منافعی که امپریالیستها در جنگ کنونی داشتند نشان دهنده نقش آنان در برافروختن ناکره جنگ بین دولتهای ایران و عراق می باشد.

سیاست و تاکتیک دولت عراق و تجاوزات گسترده آن منجر به اشغال بسیاری از مناطق و شهرهای مرزی ایران شد. اما بدنبال این پیروزیها، اکتسون با دشواریها روبرو شده است. استراتژی عراق، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و یا حتی الحاق خوزستان به عراق نبود، بلکه استراتژی عراق عبارت از اشغال و حفظ و کنترل شهرهای مرزی ایران و سپس مذاکره از موضع قدرت بر سر کنترل جزایر سه گانه ادعاهای مرزی بود. اکنون شرایط و اوضاع جنگ چنان است که عراق برای حفظ پیروزیهای نظامی خود و نائل آمدن به اهداف برتری طلبانه خود در منطقه بشدت طرفدار ارتش پارتی طلبانه خود در شده است. زیرا دولت عراق بنا بدلائی که ذکر شد و نیز مقاومت توده های مناطق اشغالی قادر نیست یک جنگ دراز مدت را تحمل کند. بویژه که اکنون ارتش عراق عمدتاً موضع تعرضی قبلی خود در جنگ را از دست داد و در مناطق اشغالی موضع تدافعی اتخاذ نموده است.

**سپاست دولت ایران در قبال جنگ**  
جنگ تمام عیار ایران و عراق درست زمانی آغاز شد که تضادهای درونی هیئت حاکمه بمرحله بسیار حاد رسیده بود.

این بحران که بر زمین برسد بحران اقتصادی و سیاسی جامعه گسترش می یافت، در درجه نخست نشان دهنده این موضوع بود که هیئت حاکمه ایران در شرایطی که از پایه توده های قابل توجهی برخوردار است قادر به اداره امور و حکومت کردن نیست.

مسئله جنگ بحران اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه را گسترش خواهد داد و در آینده تشدید مبارزات طبقاتی را بدنبال خواهد داشت. سیر جنگ و نتایج آن برای ایران هر چه باشد، عوارض ناشی از جنگ با توجه به ماهیت طبقاتی حاکمیت، پایگاه توده های جمهوری اسلامی را در پروسه فراموشی تضعیف خواهد کرد. حاکمیت بیش از پیش در تثبیت خود ناتوانتر خواهد شد. تشدید بحران اجتماعی درگیریهایی جناحهای اصلی حاکمیت را گسترش خواهد داد.

جنگ در کوتاه مدت بر پایه احساسات ناسیونالیستی توده های خلق، اگر بتواند موجبات گسترش پایه های توده های هیئت حاکمه گردد اما این حالت روحی توده ها با فرونشستن جنگ و رشد ناسیونالیستی اجتماعی تغییر کرده و به نارضایتی توده ها من خواهد زد.

جنگ در آغاز کار، تضادهای درونی هیئت حاکمه را تحت الشعاع خود قرار داد. حملات متقابل میان بنی صدر و رهبران حزب جمهوری اسلامی، بطور قابل ملاحظه ای فروکش نمود. آغاز جنگ بین ایران و عراق در واقع اعلام "آتش بس" نسبی بین جناح بنی صدر و سران حزب بود.

این "آتش بس" موقت که از نتایج تبعی جنگ بین ایران و عراق بشمار میرود مشخصاً بسود جناح لیبرال برهبری بنی صدر منجر شد. اعتباری که ارتش در این جنگ کسب کرد، موقعیت لیبرالها را بشدت تقویت نمود.

اگر نتایج سیاسی جنگ بطور کلی و در دراز مدت تضعیف حاکمیت را در پی خواهد داشت اما تقویت مواضع لیبرالها و ارتش، جزو نتایج مشخص آنست. آیت الله خمینی در اولین پیام خود به تاکید که بر ارتش و فرماندهان آن و "عدم دخالت عوامل غیر مسئول" نمود، این امر را بخوبی اثبات نمود.

در حالیکه سران حزب جمهوری اسلامی و ارگان رسمی آن به حملات همیشگی خود علیه لیبرالها (هر چند بطور موقت) پایان دادند اما بنی صدر و روزنامه انقلاب اسلامی حمله علیه حزب و ارگانهای تابعه آنرا فراموش نکرد. خلاصه تا تیر جنگ بر دو جناح اصلی هیئت حاکمه اینست که جنگ کوتاه مدت موضع لیبرالها را تقویت خواهد کرد، بنفع لیبرالها و بزین حزب جمهوری اسلامی تمام خواهد شد. اما اگر جنگ طولانی شود (و این احتمال ضعیف است) مواضع حزب جمهوری اسلامی تقویت خواهد شد. بهمین علت است که اکنون جناحهای ارتش با هر گونه مذاکره و آتش بس مخالفند و خواستار ادامه جنگ تا سرنگونی رژیم صدام هستند، این امر مسلماً در روزهای آینده اختلافات این دو جناح را بیشتر خواهد کرد.



**در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید.**

# نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

# ★ هسته های سرخ کارخانه

## بمثنایه سنگ زیر بنای حزب پرولتری

### مقدمه:

جنبش کارگری ایران با اوج و فروکش - هائی، در ابعادی گسترده متناسب با تغییر و تحولات سیاسی، همچنان به پیش می رود. اعتراضات کارگری علیه پراکندگی و سراسری نبودن نشان به و فور وجود دارد. جو سیاسی - پراکثر کارخانه ها حاکم است. اعتراضات اقتصادی و صنفی نیز در فضای سیاسی صورت میگیرد. کلمه امپریالیسم و سرمایه داری تا اعماق کارخانه ها و دور افتاده ترین مراکز کارگری نفوذ کرده است. زمینه کار تبلیغی و ترویجی در اکثر موارد کاملاً مهیاست. تا مین اجتماعی، بیکاری و... ناتوانی حاکمیت در پاسخگویی به دیگر خواست های کارگران (از قبیل ۴۰ ساعت کار در هفته، طبقه بندی مشاغل و...) بتدریج دنباله روی کارگران را از حاکمیت کنونی کاهش میدهد. انجمن های اسلامی که ارگانهای وابسته به حزب جمهوری اسلامی هستند ماهیت واقعی شان در نظم خواهی و حفاظت و دفاع از سرمایه داری هر روز آشکارتر میشود. عملکرد این انجمن ها در دفاع از منافع سرمایه داران، کارگران را از آنها نومید می سازد و دیگر بسیاری از کارگران تمایل چندانی به سخنرانی مبلغان مذهبی در کارخانجات که توسط این انجمن ها برگزار میشود نشان نمیدهند.

اقدام مستقل کارگران در تحقق خواست های شان هر روز بیشتر میشود. نمونه های چشمگیری از اعمال اراده توده های در کارخانه ها به چشم میخورد مثلاً در همین چند ماه اخیر (خرداد و تیر ماه) کارخانه های "ویسمان" در اصفهان و "صنایع الکتریکی البرز" در تهران به تصرف کارگران در آمد و چرخهای تولید و توزیع این کارخانه ها تحت کنترل نمایندگان کارگران به گردش افتاد (نکته این نمونه ها نمیتواند بعنوان رهنمودی برای کارگران دیگر باشد، فقط منظور نشان دادن وضعیت جنبش طبقه کارگر است) در اکثر موارد ساده ترین اعتراضات به اشکال تکامل یافته تر می آید. ارتقاء می یابد. صرف کارخانه، دستگیری کارفرما و... نمونه هائی است که از قیام تاکنون در حد نسبتاً زیادی وجود داشته است. امروز بعد و فوراً تشکلهای کارگری و کثرت روز افزون کارگران پیشرو و پروز هستیم. و برآستی دوره بیداری کارگران فرارسیده است.

اما علیرغم همه اینها در جنبش کارگری ایران، پراکندگی، خود بخودی بودن، اختلاف سطح زیاد مبارزه در واحدهای مختلف کارگری چشم گیر است و هنوز هم پیوندهای محکمی بین جنبش کارگری و جنبش کمونیستی برقرار نگشته است. و طبقه کارگر فاقد ستاد واحد رزمنده و سازمان سیاسی رهبری کننده اش می باشد.

جنبش کمونیستی ایران با آنکه دارای قدمتی هفتاد و چند ساله است ولی بدلائل بسیاری که بررسی آن از حوصله این مقاله خارج است هنوز در آغاز راه خویش است.

جنبش کمونیستی از مبارزات روبرو شده توده ها عقب مانده و سراسیمه بدنبال آن روان است و از قیام تا انشعاب در سازمان مدام بر تشتت آن افزون گشته است. اکنون میسیم در اشکال گوناگون جنبش کمونیستی را در چنگال خود اسیر کرده، خریده کاری، دنباله روی از حوادث عدم استحکام تشکیلاتی و رشد بی رویه، ناتوانی در رهبری و سازماندهی جنبش روبه رشد توده های و... ویژگی بارز جنبش کمونیستی ایران در شرایط کنونی است. لنین در "چه باید کرد" می گوید:

"نیروی جنبش امروزه در بیداری توده ها (بویژه پرولتاریا صنعتی) و ضعف آن در نارسایی آگاهی و روح - ابتکار رهبران انقلابی است."

وضعیتی که او طرح می کند وضعی است که در این رابطه می بیند خوبی با شرایط ما مصداق دارد. لنین بدرستی روی "نارسایی آگاهی و روح ابتکار رهبران انقلابی" بعنوان ضعف جنبش انگشت میگذارد، وضعی که اگر در شرایط ایران بخواهیم از آن سخن بگوئیم، همچون مثنوی هفتاد و من کاغذ میشود، بخصوص اگر از عدم "روح ابتکار" رهبران در ۱۵ ماه پس از قیام هر چه بگوئیم کم گفته ایم.

لازم به تاکید است که در راس این "رهبران"، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمثنایه نیروی عمده جنبش کمونیستی، بیش و پیش از همه باید مورد انتقاد قرار گیرد. از آنجائیکه عملکردهای "کمیته مرکزی" در نوشته "پاسخ اقلیت به نامه مرکزیت" مورد بررسی قرار گرفته است در این نوشته با نگاهی مختصر به کارکرد یکسال و چند ماه "کمیته کارگری" (که مستقیماً در تمام ابعاد تشکیلاتی، سیاسی و ایدئولوژیک زیر نظر "کمیته مرکزی" هدایت می شد) از تجربیات منفی آن درس

گیریم. در تلاشمان برای تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگران این موخته ها را فراراه خویش قرار دهیم. کمیته کارگری سازمان، پس از قیام تا انشعاب رسمی "کمیته مرکزی" از جنبش کارگری کمونیستی ایران، چه کرد؟ سازمان که تا پیش از قیام نتوانسته بود رابطه سیاسی - تشکیلاتی محکمی با کارگران برقرار کند و این ضعف را در پیرو سه غلیان انقلابی توده - ها بخوبی لمس کرده بود، پس از قیام با طیف وسیعی از کارگران آگاه و مبارز که بسوی سازمان سرازیر شده بودند روبرو گشت.

این کارگران که با سازمان بر اساس مبارزات خونین، قاطع و سازش ناپذیر گذشته اش در مبارزه با رژیم دیکتاتوری شاه پیوند یافته بودند، فدائی و آرمانده هرگونه فداکاری و از جان گذشتگی بودند، اما میبینیم اپورتونیسیم راست که پس از قیام خود را بر سازمان حاکم نمود، با این نیروها تاکنون چه کرده است.

این اپورتونیسیم که در فقدان چشم انداز انقلابی و استراتژی انقلابی طفره رفتن از پاسخگویی صریح قطعی و روشن به مسائل اساسی و مبهم جنبش، نداشتن خط برنامه و تلاش نکردن برای دست یافتن به آن، اساس قرار دادن فعالیت علنی و قانونی گزافی، تعیین تاکتیک از این واقعه به آن واقعه، چرخشهای مداوم صد و هشتاد درجه ای بدون کوچکترین انتقاد از خود و نوسانات دائمی متجلی گردیده بود. تاثیرات خود را در عملکرد کمیته کارگری سازمان نیز به بارزتری - وجهی برجای گذارد.

آنچه را که سازمان پس از قیام در زمینه کارگری انجام داده است چنین می توان خلاصه کرد:

الف - وجوددها نشریه "کارگران پیشرو" که نه تنها مضمون تبلیغ و ترویج یکسانی را تعقیب نمی کردند، بلکه هر یک سازد لخواه خود را می نواختند. نشریاتیکه بجای پاسخگویی به مسائل کارگران بیشتر جنبه انجام وظیفه را داشت. گویی هدف در کارخانه "نشریه" صادر کردن بود. مهمتر از همه اینکه در اکثر موارد کارگران پیشرو نقش بی سرنوشت این نشریات و این نشریات نقش در هدایت کارگران نداشتند، اگر چه بنام آنها انتشار می یافتند. این نشریات بدون اینکه رابطه نشریه محلی و نشریه مرکزی (ارگان مرکزی) را درک کرده باشند و بدون اینکه از یک بقیه در صفحه ۴

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات  
ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

### هسته‌های سرخ ...

بقیه از صفحه ۳

سیاست مشخص پیروی کنند، پراکندگی و تشتت را در جنبش کارگری دامن می‌زدند در یکی راجع به مسائل سیاسی جامعه تحلیل ارائه می‌شد در حالی که نشریه مرکزی هنوز پایش در این زمینه می‌لنگید. در نشریه دیگر مسائل مطروحه آنچنان در چهار چوب کارخانه محصور بود که گویی جهان برای این کارگران همان کارخانه است "کارگران پیشرو" اش هیچ خواست دیگری بجز خواستهای صنفی ندارند. اگر نشریه‌ای می‌یافتی که بدرستی مبارزه سوسیالیستی را با مبارزه دموکراتیک پیوند زده باشد و وظیفه خود را موضع‌گیری، تجزیه و تحلیل و ارائه رهنمود مشخص راجع به مسائل کارخانه در جهت پیوند مبارزه آنان با مبارزه طبقاتی در سطح جامعه میدانست، یعنی رابطه نشریه محلی و نشریه مرکزی را خوب درک کرده، بدست آورد، بستن می‌توانست مطمئن باشی که گردانندگان این نشریه بینش دار و دسته اپورتونیستها را ندارند.

ب- رشدی رویه تشکیلات، نبود سیاست مشخص در تعیین عمده یا فرعی بودن واحدهای کارگری مخدوش کردن مرز بین انقلابیون حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای، نمود دیگری از نتایج فعالیت ایندوره است این رفقا نه تنها درک روشنی از انقلابی حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای نداشتند، بلکه تفاوت سازمان انقلابیون و سازمان توده‌ها را نیز نمی‌فهمیدند. آنها با هر کارگر هوادار سازمان ارتباطی می‌گرفتند و او را در "سازمان انقلابیون حرفه‌ای" سازمان میدادند! این رفقا بشکلی کور می‌خواستند کمبود کار سیاسی تشکیلاتی دیروز را با ارتبساط تشکیلاتی وسیع امروز جبران کنند. شاید هم فکری کردند هر چه بیشتر ارتباط کارگری بگیریم زودتر به حزب تبدیل می‌شویم!! نتیجتاً بدون آنکه بدانند این همه نیرو را به کجا می‌خواهند ببرند، یا اینکه سیاست تشکیلاتی مشخص داشته باشند (همچون تمام زمینه‌های دیگر فعالیت سازمان) به هر کارگر سمپات برمی‌خورند، یا یک کال ارتباطی با او ایجاد می‌کردند، یا در یکی از هسته‌های کارخانه جای می‌دادند! آنها بدون اینکه دوره آزمایشی و آموزشی برای افراد بگذارد در رفقای تازه کار را تا حد مسئولین بالای تشکیلاتی بالا می‌بردند و بدین ترتیب بود که تفاسوت نیروهای درجه یک و دو... از میان رفت. معیارها و ضوابط ارتقاء مسئولیت رفقا در تشکیلات، که می‌توان از آن بعنوان یکی از بهترین سنتهای دوران گذشته یاد کرد، لغد مال شد. تشکیلات غول آسا، اما بشکل یادکنکی رشد کرد و فاقد استحکام لازم بود و به همین دلیل بود که بعنوان نمونه پیشین از کشتار دانشگاه در اردیبهشت ماه -

تشکیلات کارگری شدیداً زیر ضرب قرار گرفت. در این مورد می‌توان به اخراج بیش از صد نفر از کارگران پیشرو "فاسترویلر" تهران جنوب، ماشین سازی تبریز و دستگیری تعدادی از آنها و دهها نمونه دیگر دستگیری و اخراج یاد کرد.

ج- پراکندگی فعالیت در بخش‌های مختلف کار رشتی بدون ارتباط ارگانیک با یکدیگر، گویی مبارزه طبقه کارگر بجای آنکه سراسری باشد محلی است و مسئول هر منطقه‌ای تنها با مشورت معدود اطرافیان سیاسی خود را پیش می‌برد. این رفقا تا مار بودند که فعالیت طبقه کارگر را تنها در حیطه فعالیت خودشان جستجو کنند و به مبارزه طبقه کارگر از دیدگاه پراتیک محدود خودشان برخورد نمایند و این خود بهترین زمینه مادی برای ظهور اکونومیسم بود.

ندیدن طبقه کارگر بمثابه یک طبقه واحد و عیار تبدیل شدن طبقه کارگر به اجزاء پراکنده، علاوه بر بوجود آوردن زمینه‌های انحرافی‌ای چون گروه‌گرایی و خود مرکز بینی در مسئولین، باعث می‌شود که برخی موارد غیر عمده را که درگیر با آن هستند عمده بدانند و مسلم است که نه تنها مسائل عام و عمده جنبش از دیدگاه این نیروها نادیده می‌ماند بلکه نمی‌توانستند از خرده کاری‌های پیاپی و در نتیجه عجیب نبود که می‌دیدیم خوزستان مسائل خود را جداگانه حل می‌کرد، تبریز راه خود را می‌رفت، اصفهان روش دیگری در پیش می‌گرفت در ازاک ۳ هسته هوادار نمی‌توانستند با هم کنار بیایند، قزوین تنها مانده و در تهران حوزه‌های شرق و غرب و جنوب هر یک ساز خود را می‌نواختند تا زمانیکه مبارزه کارگران در این محدوده‌ها باقی بماند، هیچگاه به سطح مبارزه طبقاتی پرولتاریا ارتقاء نخواهد یافت تا بتواند در مقابل بورژوازی بمثابه یک کل واحد و منسجم به ستیز پردازد و بدین ترتیب هیچگاه طبقه کارگر نمی‌تواند از طبقه‌ای در خود "به" طبقه‌ای برای خود تبدیل شود.

ندیدن فردای جنبش کارگری - نداشتن حداقل خط و برنامه سیاست مشخص، تسلیم شدن به شرایط و دنبال اتفاقات روان شدن که بعنوان خصوصیت عمده فعالیت کارگری سازمان می‌توان از آن نام برد، غرق در خرده کاری شدن، دل خوش کردن به ارتباط گیری فراوان با کارگران، خوشحال شدن از موفقیت‌های لحظه‌ای در فلان سندیکا یا فلان شورا، نشریات گوناگون صادر کردن بدون آنکه خط مشخصی وجود داشته باشد، وجه اساسی ایندوره را تشکیل می‌دهند. آیا تمام اینها مایه تسلیم شدن به شرایط نیست؟ اینگونه اسیر لحظه‌ها شدن و اناس کار خود را نه بر پایه مهارت، هدایت کردن، سمبست انقلابی دادن به مبارزات کارگری، و آینده نگری - ملاحظات پراهمیت و اساسی - بلکه فقط بر پایه شرایط کنونی طراحی کردن آیا اپورتونیسم نیست؟

لنین در کتاب دولت و انقلاب از قول

انگلس در این باره می‌گوید: "این فراموشی ملاحظات پراکنده اهمیت و اساسی بخاطر منافع آنی روز، این تلاش در راه کامیابی‌های آنی و مبارزه برای نیل به این کامیابی‌ها بدون در نظر گرفتن عواقب بعدی، این فدا کردن جنبش آینده بخاطر منافع روزمره - شاید هم نگیزه‌های صادقانه داشته باشد. ولی این اپورتونیسم است و اپورتونیسم هم خواهد ماند و من بر آنم که اپورتونیسم "صادقانه" از تمام انواع دیگر آن خطرناکتر است."

آیا برای حفظ منافع آنی روز برای حفظ فعالیت علنی و گسترش آن نیست که به اخراج کارگران پیشرو و دستگیری آنها توجه زیادی نمیشود؟ یا کشتار دانشگاه پس از دو هفته به فراموشی سپرده می‌شود؟ یا ترور رفقا "توماج و همزمان" با ترور آیت الله صدر، طوری قیاس می‌شود که سازمان شریک غم حاکمیت جلوه می‌کند؟ و دهها مورد دیگر از این قبیل...؟ و همین مسئله است که ما رزترین نمیشود اپورتونیسم راست را که همانا نداشتن خط برنامه می‌باشد به نمایش می‌گذارد.

ه- و بالاخره از تصفیه معترضین و منتقدین بعنوان عملکرد درونی این بخش باید یاد کرد. بخش کارگری یکی از بخش‌هایی بود که "کمیته مرکزی" به شدیدترین شکلی ساپترالیسم خود را بر آن اعمال می‌کرد. از رفقا فیکه با بینش و عملکرد "کمیته مرکزی" مخالف بودند و همواره به آنها اعتراضی کردند به بهانه‌های مختلف سلب مسئولیت میشد رفقا فیکه به خط حرکتی انتقادی داشتند یا از عدم وجود ساپترالیسم دموکراتیک گله می‌کردند هیچگاه امکان ارتقاء مسئولیت در تشکیلات را نمی‌یافتند، یا درجا می‌زدند، یا به قهقرای رفتند. تحمیل نظرات در این بخش به شدیدترین وجهی اعمال میشد، مثلاً ما شاهد بودیم که چگونه از درون حوزه کارگری شرق تهران ضعیف ترین رفیق حوزه را فقط به صرف اینکه (هیچگاه انتقاد نمی‌کرد) وظیفه خود را دفاع کورکورانه از خط "مرکزیت" می‌دانست تا توجیهات گوناگون و با وجود اعتراضات زیاد رفقای حوزه مسئول حوزه نمودند.

البته لازم است اضافه کنیم که اپورتونیستهای توده‌ای، تقصیری ندارند، زیرا اینگونه برخورد ها جبر دیالکتیکی روند حرکت در درون تشکیلاتی است که نه از ساپترالیسم - دموکراتیک خبری است و نه از مبارزه ایدئولوژیک برای تدوین خط و برنامه، از اینرو این مسئله را نیز باید در رابطه با بینش حاکم بر "کمیته مرکزی" و سیاستهای آنان بررسی کرد. خدا از آن

اکنون که فعالیت یکساله "کمیته کارگری" را در مجموع و بطور خلاصه جمع بندی کردیم لازم است اضافه نمائیم که در عمل کرده‌های برخی بخش‌های کارگری سازمان بودند رفقا فیکه در کارخانه، بخش یا منطقه فعالیت خود را بطور اصولی انجام

بقیه در صفحه ۱۳

# اخبار کارگری

## شورای شرکت اف. آی. سی. اداره امور را بدست گرفت اما...

دست اندرکاران دولتی بیش از دو ماه شرکت را بایکوت کرده و حقوق کارکنان را نپرداختند تا اینکه خود اداره امور را بدست گرفتند.

شرکت (اف. آی. سی) پیمانکار طرح توسعه تلفن تهران، یکی از شرکتهای چندملیتی بوده که از شرکت مخابرات پروژههای ۲۸۰ میلیار دلاری را بیک میلیون ریال سرمایه میدهد. مالکیت این شرکت پنجاه درصد ایرانی متعلق به بهمن - با تمام نفلیج) و پنجاه درصد متعلق به شرکتهای آمریکائی بود. سران این شرکت در گذشته ضمن انجام پروژههای شرکت مخابرات شدیداً با ساواک همکاری داشته و کارهای جاسوسی مشغول بودند هم اکنون اسنادی نیز در دفتر مرکزی این شرکت وجود دارد که گویای اینگونه توطئهها و قسراسر دادهای ننگین شرکت مخابرات با کسورهای خارجی میباشد.

پس از تيام بهمن ماه، تعداد زیادی از کارکنان آمریکائی فیلیپینی، تایلندی و کرمانی این شرکت را ترک کرده و کارگران ایرانی بجای آنها مشغول کار شدند. زحمتکنان ایرانی که در ابتدا تخصص کافی در این زمینه نداشتند، پس از مدت کوتاهی با تلاش بسیار توانستند در رشتههای مختلف تبحر لازم را بدست آورند و قادر شدند که جریحهای شرکت را بدست خود بچرخانند. در این زمان شوروی کارکنان شرکت از نمایندگان واقعی آنها تشکیل شد و بدنبال آن مخالفت کارفرمایان شرکت با شورانی آغاز گردید. سران شرکت که تحت پوشش های قانونی مشغول خارج کردن ارز از کشور بودند اکنون دیگر با دخالتهای شورادچار اشکال شده بودند. آنها به هر ترتیبی که میتوانستند تلاش کردند تا این مانع را از سر راه بردارند. آنها سعی کردند نمایندگان شورای را بپول و رشوه بخرند اما بیوسنکی اعضای شورای کارکنان و اتحادیکارچسان در احقاق حقوق خود، تمام نقشه های

کارفرمایان را نقش بر آب کرد. شورای کارکنان که مدارک زیادی خارج کردن ارز بدست آورده بودند بایشتیبانی کارکنان دست بکار شد. شورای خارج کنندگان ارز را همراه با مدارکی که بدست آورده بودند تحویل دادستان انقلاب داد. اما خوشحالی کارکنان از این خبر حركشان علیه سرمایه داران، بیش از یک هفته طول نکشید چون دولتیان هیچ کاری با آنها نداشتند. کارکنان شرکت که انتظار داشتند دادستان انقلاب به محاکمه این افراد بپردازد، اکنون میدیدند که آنها را آزاد کرده است و این مزدوران نیز بلافاصله از ایران گریختند و پس از آن کارکنان بچشم خود نامه های آنها را گمارا مستردام فرستاده میشد، میدیدند. شورای کارکنان، با فشار کارفرمایان، خود اداره امور را بدست گرفت. کارگران با دلگرمی زیادی بکار مشغول شدند. شورای کمک کارکنان، تمامی کارهای شرکت را بخوبی پیش میبرد. آنها که برای شرکت مخابرات کار میکردند پس از یکماه برای دریافت حقوق خود با آنجا مراجعه کردند اما شرکت مخابرات از پرداخت پول امتناع کرد و گفت "ما اصلاً شما و شورای شما را نمیشناسیم که پول بدهیم". دو ماه از این واقعه گذشت. شورای نمیتوانست حقوق کارکنان را پرداخت نماید و تمام تلاشش نیز بیفایده مانده بود. اعضای شورای میگفتند "به هر جایی که مراجعه کردیم عوامل با تمام تعلق و شورای مخابرات نفوذ داشتند و نگذاشتند کار شرکت از نظر مالی درست شود". سرانجام شرکت بحالت نیمه تعطیل درآمد. نمایندگان کارکنان بدفتر آیت الله خمینی و بنیاد مستضعفین هم مراجعه کردند ولی نتیجه ای نگرفتند. دفتر ریاست جمهوری هم دقیقاً از جریانات اطلاع داشت ولی بوجهی با آن نمیکرد. بالاخره پس از دو ماه و نیم

شخصی بنام حاج حسین بعنوان نماینده رئیس جمهوری برای حل مساله بشرکت آمد

او قول داد که بزودی حقوق کارگران را دریافت کند و از آنها خواست کارشان را شروع کنند. پس از مدتی حاج حسین که خودش ناچاراً این است گفت حل مساله از عهده من خارج است! و دیگر هم در شرکت پیدایش نشد.

کارکنان شرکت که دیگر جان بلیشان رسیده بود بی بردند که راههای قانونی حلال مشکلات آنها نیست. برای آنها بخوبی آشکار شد که تمام دست اندرکاران دولتی از همان قماش کارفرمایان وحامی آنها میباشد. لذا اعتراض جمعی خود را آغاز کردند.

بدین منظور روز شنبه ۲۵ مرداد ماه کلیه کارکنان شرکت جلوفدفتر مرکزی تجمع کردند و آنجا با تمام وسایل نقلیه شرکت، اعم از ماشینهای سنگین و سوزاری، به طرف نخست وزیری حرکت کردند. تمام خیابانهای که به نخست وزیری منتهی میشد بوسیله ماشینهای شرکت بسته شد. کارگران از ورود افراد متفرقه و موتورسوار به این خیابانها جلوگیری میکردند. حتی افراد شهربانی نیز نمیتوانستند بمنطقه وارد شوند. در همین اثنا سروکله پاسداران و افراد "سیاه جامگان" پیدا شد. آنها کارگران را محاصره کرده و بیوسته اخطار میدادند "منطقه را ترک کنید". کارگران زنجیر بسته بودند و مقاومت میکردند.

پاسداران از ۳۰ بدست در پشت باهما مستقر شدند. پاسداری گفت "اگر از بالای دستور برسید همه تان را ت و پاره میکنیم" که کارگری باخشم باو گفت: "انقلاب کردیم تا شما را بالا دستور نگیرید". ترفیق سنگینی در منطقه بوجود آمده بود. نماینده رئیس جمهوری برای مذاکره با کارکنان بمیان آنها آمد و از آنها مهلت خواست تا با امور مالی شرکت رسیدگی شود. کارگران قبول نکردند، آنها میگفتند: "از این مهلت ها خیلی داده ایم و دیگر حاضر نیستیم بیهوده منتظر باشیم".

اتحاد و مقاومت کارکنان شرکت، بالائیها را حسابی بوحسب انداخت. مسئولین شرکت مخابرات و بنیاد مستضعفین به جست و جوی احضار رسیدند. حرفهای راهمناهی و راندگی برای برداشتن ما سبباً اروسط خیابانها و باز کردن راهها به

## نامه یک کارگر نانوای

من دریکی از نانوایان های راه آهن کارکنم. کارگران نانوایی را معمولاً دهقانان کم زمین و فقیر تشکیل میدهند که به خاطر تامین خانواده مجبور به کار کردن در شهر میشوند و چون فصل کشاورزی معمولاً تابستان است و در زمستان کار ندارند کارفرمایان بدلیل زیاد بودن کارگر در زمستان، دستمزد کارگران را به حداقل ممکن پائین می آورند و هر نوع صدای اعتراضی را با اخراج بی پایان میروانند. ما کارگران نانوایی بدون داشتن بیمه (کارفرمایان معمولاً بستگان خود را بیمه میکنند) حق اولاد، مسکن، سود ویژه و مرخصی سالیانه و یا حتی هفتگی، در بدترین شرایط بهداشتی و امکانات کار میکنیم و هیچ اقدامی هم تاکنون از طرف دولت برای بهتر شدن وضع ماصورت نگرفته است. یکی از کارگران ما که "چونه گیر" است و دوازده سال دارد در صحبتهايش ميگويد: من یکسال درس خواندم ولی چون پدرم بیرونی است من مجبور شدم که در س راول کنم و بشهر بیایم. آخر غیراز خودم سه خواهر و برادر دارم و تنهایم از بیم این است که یک تراکتور داشته و مجبور نبودم بدارم پدرم با این سن کار کند" یکی دیگر از کارگرانمان که هجده سال دارد وقتی راجع به مرخصی سالانه و یاسود ویژه که با تصویب شورای انقلاب سرو صدایش بالا گرفته بود و بیمه صحت میکردیم میگفت این اولین بار است که اینها را میشنود. و چیزهایی که میگوئیم باور نکردنی است. ما از صبح ساعت ۳ تا ساعت ۹ کار میکنیم دوباره از ساعت ۱۰ تا ۱۵ و باز از ساعت ۱۶ تا ۹ شب کار میکنیم و در آخر شب نه حالی برای شام خوردن باقی میماند و نه کار دیگری. در سال فقط سه روز تعطیل هستیم و آنهم روزهای عزاد بودن حقوق، برای همین کمتر کارگر نانوایی است که یکسال تمام در یک جا کار کند و از این موضوع هم کارفرمایان همچنانکه گفتم استفاده کرده و ما را از تمام مزایا محروم میکنند. بنابراین اگر حکومت راست میگوید و از منافع زحمتکنان دفاع میکند پس چرا کوچکترین قدمی در جهت بهبود وضع ما برنمیدارد.

با رزوی بیروزی برای تمام مبارزان آرمان کارگری محل تجمع کارگران آمدند. ولی چون ماشین آلات سنگین در اول خیابانها قرار گرفته بود موفق نشدند.

تجمع کارگران ۱۱ ساعت طول کشید و بالاخره مقاومت آنها باعث عقب نشینی مسئولین شد و طبق قرار دادی که در ساعت ۱۲/۵ شب برای کارگران خوانده شد، شرکت مخابرات موظف شد که تا ۲ روز بعد حقوق عقب افتاده آنها را پرداخت کند. همچنین اعلام شد که از این پس شرکت مخابرات و سرپرستی بنیاد مستضعفین اداره میشود. کارکنان شرکت در ساعت ۱۰ با مدام محل تجمع را ترک کردند.

باین ترتیب کارکنان مبارز شرکت توانستند حقوق از دست رفته خود را با ریاست حاکمیت ما همتا بروروانی مبارز دیکرد سمنی خود را با سوراخهای واقعی به نما س ک د است و ساس داد که تمام اسکا ل برای های که در برداخت حقوق کارکنان می کردند بن خاطر بود که اداره امور از دست شورای خارج نماید

و تنها وقتی به این خواست خود رسید حاضر به پرداخت حقوق کارکنان شد. آنها هم چنین می خواستند سوزا را در ذهن کارگران خراب نمایند. از طرف دیگر این واقعه بار دیگر به انقلاب بیون می آموزد که در شرایط کنونی شوراهای کارخانه نباید کنترل خود را بر تولید و توزیع و غیره تا حد بدست گیری اداره امور کارخانه (مدیریت) پیش ببرند. بلکه اکنون شوراهای کارخانه باید تمام امور جاری کارخانه و دفاع از منافع صنفی و سیاسی کارگران در این رابطه باشد. شوراهای در این رابطه باید پیش از هر چیزی باید در خدمت بسیج و تشکیل کارگران ترار کرد.

شورای شرکت اف. آی. سی. نیز اکنون با تمام توان باید در این جهت کام بردارد. آنها باید با نظارت و دخالت خود در تمام امور جاری شرکت همچون کد سنا زمانه کارکنان دفاع نمایند.

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

# اثرات زیانبار جنگ بر زندگی توده‌های زحمتکش

بقیه از صفحه ۱

خدمت منافع و اهداف غارتگرانه امپریالیسم قرار گرفته است، در ماهیت امر تغییری نمی‌دهد آنچه دارای اهمیت عملی است اینست که این جنگ در خدمت منافع امپریالیسم بوده و سیاست و مواضع آنرا تقویت کرده است. امپریالیسم آمریکا در این جنگ منافع و اهداف معینی را دنبال کرده است و آن تلاش در جهت حفظ و تقویت مواضع خود در منطقه خلیج فارس و خاور میانه و نیز تقویت موقعیت و موضع خود در این دو کشور و وابسته کردن هر چه بیشتر آنها بود ما است، اما در این مقاله آنچه که مورد بحث ما است تاثیر جنگ، بر وضعیت و مبارزه توده‌های زحمتکش ایران است. با آغاز جنگ بمب افکنها بسپرواز در آمدند، تانکها بحرکت درآمدند و با ران گلوله‌ها و راکت‌ها بر سر خلیج‌های تحت ستم هر دو کشور با ریدن گرفت. مراکز صنعتی، تولیدی، آموزشی و غیره مورد تهاجم قرار گرفت. پالایشگاه‌های دو کشور و تاسیسات نفتی آنها با تنش کشیده شد و کارخانه‌ها، بمراکت بسته شدند (نوردو فولاد) تعداد زیادی انسان‌های بی سلاح کشته شدند، خرابیهای فراوانی ببار آمده

است، ویرانیهای وسیعی بر جای مانده است و هزاران انسان ستمدیدموز جرکشیده، آواره و بی خانمان شدند. بنا بگزارش روزنامه "النهار" میزان خسارت وارده طی ۹ روز اول جنگ به ۶ میلیارد دلار (معادل ۴۲ میلیارد تومان) رسیده است. (کیهان ۵۹/۷/۹)

این تنها جنبه‌هایی از اثرات زیانبار جنگ است که توده‌های زحمتکش با دیدن آن را بر دوش بکشند تا کمی منحصربفرد اقتصاد ایران (و همینطور عراق) به نفت خیر از اثرات وحشتناک دیگری بر زندگی کارگران و زحمتکشانشان دارد. با از کار افتادن پالایشگاه آبادان علاوه بر کاهش شدید مواد سوختنی چه برای وسایل نقلیه و چه برای سوخت عادی بخصوص با فرا رسیدن فصل سرما، اصلی ترین منبع درآمد ارزی دولت از بین رفته است و این خود موجب اثرات زیادی خواهد شد.

۱- کاهش هزینه‌های جاری دولت (مثلا پرداختهای عادی دولت بکارمندان و کارگران) ۲- کاهش سرمایه‌گذاری‌های دولت ۳- کاهش پشتوانه ریالی و در نتیجه پائین آمدن ارزش پول تاثیر همین موارد بر زندگی

کارگران و زحمتکشان چه خواهد بود؟! و لا قدرت خرید آنها با عبارت دیگر قدرت نامیین حداقل نیازهای آنان بدلیل زیر کاهش می‌یابد:

۱- کاهش ارزش پول  
۲- افزایش قیمت کالاها و وسایل مورد نیاز زحمتکشان (گرانی)، بدلیل کمبود آنها که خود ناشی از علل زیر است: کاهش تولید ناشی از کمبود سوخت و خرابی‌های حاصل از بمباران کارخانجات، عدم توزیع مناسب مواد بدلیل کمبود سوخت و وسایل نقلیه و نیز احتکار سرمایه‌داران، خسارت وارده بانبارهای کالاها در بنا درود دیگر نقاط کشور.

ثانیا: تعطیل و از کار افتادن کارخانجات بدلیل فوق موجب افزایش شدید تر بیکاری خواهد شد و با توجه به سیاستهای ضد کارگری یکساله دولت (در مورد بیکاران از جمله نپرداختن حق بیمه بیکاری) کاهش درآمد دولت مسلمانا مکان اجرای چنین سیاستی را هم شدیداً کاهش میدهد.

مسلم است که هیچیک از این مشکلات تاثیر قابل توجهی بر زندگی سرمایه‌داران و شروتمندان نخواهد گذاشت زیرا آنها به پشتوانه درآمد‌های کلان هر کالایی را بهر قیمتی خواهند خرید و بابتا بمر دو بنده‌های اداری و دولتی و "پارتی بازی" های وسیع، دستشان بهر کالائی خواهد رسید. بعلاوه آنها خودشان هرگز در صفوف طولانی مواد غذایی و سایر مواد یحتاج زندگی نخواهند ایستاد بلکه این مستخدمین آنها خواهند بود که تحمل این سختی‌ها را

خواهند کرد. با توجه به آنچه گفته شد روشن می‌گردد که نمره ما این جنگ برای کارگران و زحمتکشان جز بیکاری، گرانی، کمیابی، ویرانی، و آوارگی چیز دیگری نخواهد بود این جنگ که خود ریشه در عمق بحران اقتصادی و سیاسی حاکمیت سیاسی ایران داشت، هر چه بیشتر بحران اقتصاد را دامن خواهد زد و وظیفه کارگر و سایر زحمتکشان را هر چه بیشتر با مشکلات و مصائب جدیدی دست بگریبان خواهد کرد.

جای هیچگونه شکی نیست که دولت خواهد کوشید؛ اولاً با تبلیغات وسیع و مسمومش میهن پرستی و وطن پرستی افراطی را در توده‌ها برانگیزد و چند صبا حی دیگر با انگیزه‌های توهمن، تحمل این همه مشکلات و مصائب را بر توده‌ها آسان سازد و با صدور اطلاعاتی که بی نظیر "اطلاعیه وزارت صنایع" (انقلاب اسلامی سه شنبه اول مهر ماه) است شمار آن‌ها را شدت بخشد و از آنها بخواهد که برای جبران خسارات ناشی از جنگ تحملی سرمایه‌داران بر آنها، هر چه بیشتر از جان و مال بگذارند و با فعالیت مداوم خود بدین تولید هر چه بیشتر همت بگذارند و "از درگیری با همکاران" (بخوان مبارزه با استثمارگران و عوامل آنان) بپرهیزند و با هم و با مدیریت با صمیمیت همکاری کنند.

ثانیا: خواهد کوشید با خطر و وحشت از او جگری مجد دجنبش کارگران و زحمتکشان از هم اکنون تدارک سرکوب آنها را بچیند و با صدور فرامین، بخشنامه‌ها و تصویب قوانین آن

ها را محدود و محدودتر کند و رویای خوش پورتونیستهای "کمیته مرکزی" را که خود خون فدا ثبات صادق (!) و نا آگاه را با خون پاسداران سرکوبگر آنان درهم آمیخته اند تا "استقلال" و "آزادی" را در جمهوری اسلامی پاسداری کنند (!) به واقعیتی تلخ و زهر آگین تبدیل کند.

چنین بنظر میرسد که در صورت پایان یافتن سریع جنگ دولت در تحمیل توده‌ها موفقیت‌های قابل توجهی بدست آورد و با توسل به توهمات آنها و قدرت گیری ارگان‌های سرکوب از جمله ارتش، تشکل‌های دموکراتیک آنها را (از جمله شوراهای) درهم کوبد و تاملتی واکنش‌ها و حرکات اعتراضی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان را با عنوان خد متکذر دولت عراق و مخالفین "احیای تولید ملی" سرکوب کند و اقول و اقی ملامت را به جنبش طبقه کارگر تحمیل کند.

اما در صورت طولانی شدن جنگ و عمق یافتن رکود و بیکاری، کارگران و بخصوص کارگران واحدهای بزرگ دست بتهاجم متقابل خواهند زد و برای رفع وحل مشکلات و مصائب حاصل از جنگ خود به اقدام مستقیم دست خواهند زد و با در دست گرفتن کنترل امور واحدهای تولیدی هم امور براه اندازی مجدد واحدها و تولید مواد را با انجام خواهد رسانید و هم توزیع مواد غذایی و ما یحتاج خلق را بشکل انقلابی خود بعهده خواهند گرفت.

## با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید!

رفقا، دوستان، هواداران

همانطور که اطلاع دارید، پس از انشباع، "کمیته مرکزی" از تحویل هرگونه امکانات به سازمان خودداری کرد. با توجه باینکه گسترش فعالیت‌های هر سازمان انقلابی به کمکهای هواداران و طرفداران آن سازمان بستگی دارد از کلیه رفقا، دوستان و هواداران می‌خواهیم که ما را از امکانات خود با خبر کنند و بالاخص کمک‌های مالی خود را از راه‌های مطمئنی که میشناسند برای ما بفرستند.

هـ	۱۴۰۵	ث	۱۳۵۳	ج	۱۱۹۸	ش	۷۷۷۷	م	۱۱۵۰	ز	۷۰۲۶	ب	۱۱۲۰	الف	۱۰۲۵۶
پ	۱۳۵۹	ژ	۱۱۹۶	ح	۴۷۹۰	ط	۵۰۱۲	س	۳۲۴۲	ح	۸۰۴۹	۱۱۱۱	۵۰۰۰	۴۴۱۵	
دانش‌موران مدرسه		ط	۱۰۲۵	ع	۵۶۶۰	د	۱۵۰۰	ز	۴۱۲۰	ت	۳۱۲۴	۷۰۰۰	۵۰۰۱	۱۲۲۲	
راهنمایی کعبه آمال		دانش‌موزان دبیرستان		ف	۷۸۸۰	ر	۵۷۲۳	ح	۴۰۰۴	س	۷۰۳۰	۱۱۸۹	۸۸۸۲	۵۵۵۵	
نازی آباد		دکتر حسین فاطمی		د	۲۲۲۷	ک	۵۷۲۳	ز	۴۲۲۶	ح	۷۰۳۰	۳۲۲۱	۴۰۰۴	۳۳۰۰	
و	۱۲۲۷	نازی آباد		ز	۲۰۵۲۵	گ	۵۰۲۵	ح	۹۹۹۹	س	۸۰۰۱	۳۲۲۱	۴۰۰۴	۱۲۰۷	
ج	۱۱۵۷	م	۱۰۱۱	د	۲۲۰۰	ب	۶۴۶	ز	۲۷۲۲	ح	۸۰۰۱	۱۰۹۹۹	۷۰۱۱	۲۰۳۳	
س	۹۵۵	ش	۱۰۰۵	ر	۱۴۴۹	ک	۲۷۴۹	ح	۲۰۵۸	س	۲۳۰۰	۲۳۰۰	۱۰۹۶	۱۰۱۰۰	
رفیق کارگر	۱۱۰۰	ل	۱۰۹۶	ز	۱۴۴۹	گ	۱۴۰۵	ح	۲۰۵۸	س	۲۳۰۰	۲۳۰۰	۱۰۹۶	۱۰۱۰۰	
ب - س	۵۰۱۹	دانش‌موزان مدرسه		د	۲۲۰۰	ب	۲۷۴۹	ح	۲۰۵۸	س	۲۳۰۰	۲۳۰۰	۱۰۹۶	۱۰۱۰۰	
امانت‌های رسیده		راهنمایی ابن سینا		ز	۶۵۶۵	ک	۵۵۵۵	ح	۲۷۲۲	س	۲۳۰۰	۲۳۰۰	۱۰۹۶	۱۰۱۰۰	
رفقای مونیخ		خیابان ری		ز	۴۷۰۱	گ	۷۱۳۱	ح	۳۴۲	س	۲۳۰۰	۲۳۰۰	۱۰۹۶	۱۰۱۰۰	
رفیق رضا - ب		د	۱۴۴۹	ز	۴۷۰۱	ب	۷۱۳۱	ح	۳۴۲	س	۲۳۰۰	۲۳۰۰	۱۰۹۶	۱۰۱۰۰	
رفیق رضا		غ	۱۰۰۱	ز	۴۷۰۱	ب	۷۱۳۱	ح	۳۴۲	س	۲۳۰۰	۲۳۰۰	۱۰۹۶	۱۰۱۰۰	
رفقای آمل کد مالی شما		ض	۱۳۰۸	ز	۴۷۰۱	ب	۷۱۳۱	ح	۳۴۲	س	۲۳۰۰	۲۳۰۰	۱۰۹۶	۱۰۱۰۰	
بحای تومان ریال نوشته		دانش‌موزان مدرسه		ز	۴۷۰۱	ب	۷۱۳۱	ح	۳۴۲	س	۲۳۰۰	۲۳۰۰	۱۰۹۶	۱۰۱۰۰	
شده که ساین ترتیب اصلاح		راهنمایی دکتر شریعتی		ز	۴۷۰۱	ب	۷۱۳۱	ح	۳۴۲	س	۲۳۰۰	۲۳۰۰	۱۰۹۶	۱۰۱۰۰	
میشود.		یا خجی آباد		ز	۴۷۰۱	ب	۷۱۳۱	ح	۳۴۲	س	۲۳۰۰	۲۳۰۰	۱۰۹۶	۱۰۱۰۰	
		ک	۱۱۰۶	ز	۴۷۰۱	ب	۷۱۳۱	ح	۳۴۲	س	۲۳۰۰	۲۳۰۰	۱۰۹۶	۱۰۱۰۰	

۴ ساعت کار در هفته خواست همه کارگران است

## اشغال خوابگاههای دانشجویی حتی در شرایط جنگی!

در شرایطی که نودهای مردم میهن ما زیر فشار بار جنگ و تجاوزات رژیم بعثی عراق قرار دارند، رژیم جمهوری اسلامی با زهم دست از تجاوز به حقوق مردم و سرکوب آنها بر نمی دارد. خوابگاههای دانشجویی که در ماههای اخیر بطور مرتب در معرض حمله عناصر و اوباش وابسته حاکمیت قرار گرفته اند، در روزهای اخیر نیز از حملات مصون نبوده اند.

روز شنبه پنجم مهر، در اوج جنگ ایران و عراق، خوابگاه پسران دانشگاه صنعتی سرفی اشغال شده و گروهی از دانشجویان مورد ضرب و ستم قرار گرفتند. روز یکشنبه وارد هم مهر نیز گویا که صلاح جنگی در میان نیست، خوابگاه دختران دانشگاه صنعتی مورد اشغال قرار گرفت با این ترتیب که ساعت ده صبح پانزده پایتخت وارد خوابگاه میشوند و یک ربع برای تخلیه ساختمان بیهوشی دانشجویان وقت میدهند آنها هم با اندکی اثاثیه خود از ساختمان بیرون می آیند و

در پیاده روی سینه ها، این دختران دانشجویی که در آنجا از سهر سال آمده ایم - جایی هم نداریم، مجبوریم همینجا بنشینیم. زنی میگفت پنج نفر تا من می نماندیم بیا بیاید خانها، دانشجویان گفتند مساله پنج نفر نیست، فرض ما آنستیم که خانها بقیه جکار کنند اصلا چرا باید این وضع پیش بیاورد در همین موقع با ساری آمد و جمعیت کت منفرق شوید خطر حمله هوایی وجود دارد. دانشجویی گفت کجا برویم - شما کجاست ساختمان ما را اشغال کرده اید؟ ناراضی در همه جمعیت دیده میشد مردمی گفت در این شرایط جنگی درست نیست این ها را از خوابگاه بیرون کرده اند، بخودی اختلافات را ادامه میدهند، مردم دیگری گفتند اینها باید یک پنجره را بستند، بروید توی ساختمان هیچکس هم هیچکاری نمیتواند بکنند الا تباست و هیچکس توی خیابان نمی ماند، اینهمه دختر توی خیابان جکار کنند؟

## عملکردهای شورای روستائی (گاورمک)

"میانلالت" را نیز تشکیل دهند... ایادی زمینداران و دولت که تاب تحمل این تشکل ها و حرکات انقلابی روستائیان را نداشتند از راههای گوناگون کوشیدند تا بلکه بتوانند این شورای از هم بپاشند و با غمضا در شرف باز پس گیرند. بهمین سبب مستاجران باغ جای مصادره شده به زاندار مری شکایت کردند، زاندار مری هم به آنها قول داد می دهد که با غمضا روستائیان پس بگیرد. اما روستائیان به رغم هشدارهای زاندار مری همچنان به چیدن جای باغ ادامه دادند تا اینکه دو تن از هیئت هفت نفری تقسیم زمین به روستا آمدند و با نشان دادن سند تقسیم زمین اعضاء شورای باغ را دستگیر کردند. اهالی ده گاورمک می گویند که هیئت هفت نفره قصد دارند اعضای شورای باغ را به زندان فرستاد و به دلخواه خود زمین ها را تقسیم کنند و به این ترتیب می خواهند هم شورای امتلاشی سازند و هم حرکت انقلابی دهقانان را مهار کنند.

بر اثر فشار روستائیان اعضای شورای آزاد شدند. بدنبال آن روستائیان با پول خود موفق شدند که در آن نیمی در دست کنند.

جها در سازندگی که به روستائیان آمد به روستائیان قول داد که اگر خود اهالی جاده را تا به آخر برسانند، شن ریزی شرا به عهده بگیرد. اعضاء شورای باغ به همراه دارا هشتاد و هفت نفر تقاضای بولدور کرد و دوپس از رفتن امدادهای مکرر به این اداره بولدورزی به آنها داده شد و روستائیان توانستند راه را به اتمام رسانند.

از اقدام های دیگر روستائیان گاورمک در بر توشکل و اتحاد، مصاحبه جمعی باغ جای ۵۰ هکتاری فاتیما است. همچنین روستائیان گاورمک که تاکنون تجربه های گوناگونی از شورا کسب کرده بودند، برای همبستگی و یاری به دیگر روستائیان، تجربه های خود را به دهقانان اطراف گسترش دادند و توانستند با مساعدت عناصر آگاه و انقلابی شوراهای روستائی "بامسی" و شوراهای روستائی

شورای روستائی (گاورمک) را مسرا زید و تشکیل تاکنون موفق شده است، یک جاده بکش و طرح لوله کشی و آبرسانی را نیز در سر لوحه برنامه های خود قرار بدهد. اهالی روستائی (گاورمک) که در گذشته با تشکل های از قبیل انجمن دهائی شناخته شده بودند و همکارهای خود را از این مجرا انجام می دادند، پس از قیام به ضرورت تشکیل شورای دهی برده و با یاری عناصر آگاه ده، در خرداد ۱۳۵۸ موفق شدند شورای خود را تشکیل دهند. اولین قدمی که شورای جهت خواسته های دهقانان برداشت، کشیدن جاده بود. در جریان کشیدن جاده بنا بر دسیسه چینی های بعضی از مالکان ده، اعضاء شورای توسط زاندار مری بیهوش دادند تا این انقلاب را مسر برده شدند. رئیس ده گاورمک را اولین برخورد و بدون مقدمه اعضاء شورای ارضا انقلابی خواند و بیهوش دادند تا شورا فرستاد اهالی روستائی گاورمک که اعضاء شورای خود را گرفتار دیدند دست به اعتراض زده و در برابر دادستانی را مسرا تجمع کردند.

## نمونه اتحاد انقلابی دانش آموزان در آغاز سال تحصیلی

دانش آموزان انقلابی دبیرستان دخترانه "محمود زاده" موفق شدند با همبستگی و مقاومت دانش آموزان اخراجی را به کلاس برگردانند.

روز شنبه ۵ مهر ماه ۵۹، مدیر مدرسه محمود زاده، دو تن از دانش آموزان هوا دار مجاهدین خلق را بجزم شرکت در ورزش میلیشیای "شمارک بر آمریکا" به دفتر حاضر کرد و سپس از رسیدگی به پرونده های ایشان پدرو مادر آنها را نیز فراخواند و در عرض چند ساعت هر دو دانش آموز انقلابی را اخراج کرد. دانش آموزان آگاه و انقلابی دبیرستان با دیدن این حرکت ضد مکر تیک مدیر، به تکاپو و تلاش افتادند تا دانش آموزان اخراجی را به مدرسه بازگردانند. فردای آنروز دانش آموزان انقلابی در صفوف منظم، ورزش صبحگاهی را با "سرود (ای ایران)" و شعارهایی مانند، "مرگ بر آمریکا"، "نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا"، انجام دادند. مدیر دبیرستان دانش آموزان را تهدید به اخراج می کرد اما دانش آموزان با اراده و مصمم ورزش می کردند و سرود می خواندند دانش آموزان حزب الهی هم، مرتب شعار حزب فقط حزب الله و مرگ بر منافق می دادند. با خاتمه گرفتن ورزش صبحگاهی بین هوا داران نیروهای انقلابی توافقی مبنی بر تحصن حاصل شد.

در ساعت ۱۱/۵، دانش آموزان به سالن مدرسه رفتند و از مدیر خواستند در جمع آنها حاضر شود و در باره اخراج دانش آموزان توضیح بدهد. اما مدیر از این درخواست سر باز زد و نیامد. از سوی دیگر دانش آموزان تهدید شدند که اگر از سالن بیرون نیایند، در سالن به روی آنها قفل می شود. این تهدید عملی شد و در سالن به روی دانش آموزان بسته شد، اما دانش آموزان با سروصدا و فریاد مسئولان را وادار کردند که در را باز کنند. تمامی مدرسه درگیر بحث و گفتگوهای آگاهانه شد.

در ساعت ۱/۵ بعد از ظهر، دانش آموزان به مدیر اطلاع دادند که اگر فردا صبح جریان اخراج دو دانش آموز را برای بچه ها توضیح ندهد، تحصن همراه با افشای نام می یابد. مدیر مدتی که قاطعیت و ایستادگی متحدان دانش آموزان را دیدند از اداره آموزش بخش خواست نما بندهای به دبیرستان بفرستند، بلافاصله نماینده های از بخش آمد. دو دانش آموز اخراجی را مجدداً ثبت نام کرد و به این ترتیب دانش آموزان با سلاح اتحاد و مقاومت و برخورد های درست و اصولی موفق شدند دوستان دانش آموز اخراجی خود را به کلاس برگردانند و سدی در مقابل اقدامات ضد مکر تیک مدیر مدرسه ایجاد کنند. حرکت موفقیت آمیز دانش آموزان انقلابی دبیرستان محمود زاده تجربه ای گرانبها و برنده ای ضرورت همبستگی و اتحاد همه نیروهای انقلابی را در مبارزه بر علیه سیاستهای ضد دمکراتیک و ارتجاعی، به اثبات رسانید.

## باز هم حمله مسلحانه پاسداران نرمناهی به گاورمک

کارگران کارخانه دامس خروس نشان روز هجدهم شهریور جلوی کارخانه در حیا با آزادی تجمع کرده بودند. آنها که در مخالفت و برای کشف دلایل اخراج ۱۶۰ نفر از همکاران خود جمع شده بودند ساعت ۲ بعد از ظهر با حمله پاسداران مواجه شدند. وحشیانه با فنداق تفنگ، تیراندازی هوایی، دستگیری کارگران و تعقیب افراد مبارز و هجوم به خانه های اطراف کارخانه در پی آنها...

واقعاً از این قرار بود که روز ۸ شهریور ما هم رخصتی سالانه کارگران آغاز شد. این رخصتی تا ۱۸ شهریور ادامه داشت. در این مدت بنیاد مستضعفین کارخانه را در اختیار گرفت و مدیر جدیدی به کارخانه فرستاد. مدیر جدید بر اساس دستوراتی که از طرف بنیاد داشت، شروع به پیاده کردن برنامه های خود کرد و اولین اقدام اخراج ۱۶۰ نفر از کارگران بود. روز ۱۸ شهریور پس از اتمام ده روز رخصتی - که خود نموداری از پایمال کردن حقوق کارگران در رابطه با رخصتی سالانه است -

کارگران به سرکار برگشتند. اما ما مورین مسلح کمینته مانع ورود ۱۶۰ نفر از کارگران بداخل کارخانه شدند. کارگران در اعتراض با بین مسئله جلوی کارخانه جمع شده و خواهان توضیح در این مورد شدند. این جریان تا ساعت ۲ بعد از ظهر ادامه داشت. در این ساعت پاسداران صاحب الزمان "که دیدند کارگران قصد متفرق شدن ندارند و برای مردم کججا و آن منطقه این مسئله را بطور مداوم افشا می کنند، یورش وحشیانه خود را با آنها آغاز کردند. در این جریان علیرغم حمایت پایداری مردم محله از کارگران، پاسداران توانستند چند نفر از آنها را دستگیر نمایند.

کارگران کارخانه دامس خروس نشان میگویند حالا ما باید برای هر دو مسئله مبارزه کنیم، یکی برای برکشتن به کارخانه دیگری آزادی کارگران زندانی. کارگران مبارز و آگاه تجربیات روزمره خود در می یابند که تنها با اتحاد و تشکل میتوانند در مقابل زورگویی سرمایه داران و حامیان آنها مقاومت کنند.

# لغو سود و ویژه و مواضع "کمیته مرکزی"

کمیته مرکزی که سیاست جاکری در استان بورژوازی و کرنش و تعظیم در برابر سران سازشکار خرده بورژوازی را پذیرفته و به عنینش طبقه کارگر و مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران پشت نموده است در عرصه مبارزات طبقه کارگر نیز با بهر کود و انحسراف کشا شدن مبارزات کارگری به سیاست های آشتی طبقاتی خود ملأ دیت میبخشد. "کمیته مرکزی" در برخورد به مسئله لغو سود و ویژه یکبار دیگر کوشید که رگران را دچار توهم نموده و تمام تخصصها را بگردن وزارت کار و شورای انقلاب ویا حتی بعضی از کارشناسان وزارت کار بیا نندازد تا بتواند حاکمیت خبلی هم ضد امپریالیستی را تظہیر نموده از زیر ضرب مبارزات کارگری نجات دهد! و مجبور شد برای بار دیگر تئوری مبارزه با سرمایه ها بشناسد، تئوریش را که به گونه ای دون کیشوت وار "آسیای بادی" را تخسم مادی امپریالیسم می بیند، در زمینه مسائل کارگری برای موعظه آشتی طبقاتی به کار گیرد و بسط دهد. "کمیته مرکزی" برای آنکه واضع را بهتر گردانده و حاکمیت انقلابی و ضد امپریالیستی (از جمله آقای بهشتی) را راضی گرداند خود را فقط درگیر مبارزه با سرمایه ها می نماید و محبور می شود در تحلیل! (داستان) پلیسی اش مپهره ها را با یگزین طبقات نموده و طبقات را محو نماید. در این به اصطلاح تحلیل آنچه که فرعی است اصلی می شود و آن ارگانیک که کمتر بنقش را ایفا می کند زیر ضرب قرار می گیرد و به آنچه که دیگر نیست (مردگان) حمله می شود و بنز تمام ارواح خبیثه (از جمله عنا صرضا انقلابی که در اینجا و آنجا گویا در حاکمیت انقلابی نفوذ کرده!) به کمک طلبیده می شود تا شاید پرده ستری افکننده شود و جهره زشت مختصرا صلی (حاکمیت اساسا بورژوازی) پنهان گردیده و میتواند تظہیر گشته و ضد امپریالیست و انقلابی گردد. "کمیته مرکزی" وقتش را مطرح می کند "که وزارت کار و شورای انقلاب مسئول لغو سود ویژه هستند" (نقل به معنی از مقالات درباره لغو سود ویژه مندرج در شماره های ۷۰ و ۷۱ - ارگان سراسری) به روی خودش هم نمی آورد که همان جریانهای کسه شورای انقلاب را تشکیل می دادند امروز نیز قدرت واقعی را در حاکمیت در دست دارند. و مطرح نمی کنند که سران حزب جمهوری اسلامی اکثریت شورای انقلاب (۷ نفر از ۱۳ نفر) را تشکیل می دادند و هم اکنون نیز بر سر کسب قدرت بیشتر در حاکمیت بسا "امیرالها" در جنگند، نیا بد هم چنین کند چرا که حزب جمهوری اسلامی از

پیروان خط امام است و خرده بورژوازی! با بد غسل تعمید شود و علاوه بر آن ممکن است سران حزب نا راحت شوند (اوضاع دوباره خراب شود) و جایی در مبارزه ضد امپریالیستی! به کمیته مرکزی ندهند. بیشتر که می رویم (در شماره ۷۱) حتی سا به "شورای انقلاب" نیز کمزرا حل می شود و کمیته مرکزی می کوشد با زیرکی خاصی! (البته با زیرکی خاص کبکی که سرش را زیر پر ف می نماید) فقط به وزارت کار بپردازد! و به کارگران توعیه می نماید که "موضع گیری های انقلابی مبتنی بر آن بوده که... به مسئله شرکت فعالانه توده کارگران (از طریق تشکیلات و نما بیندگان واقعی شان) در تدوین قانون کار جدید به عنوان گامی عملی و موثر در جلوگیری از تصویب قوانین خودسرانه و یکجانبه وزارت کار و... (ارگان سراسری شماره ۷۱ - نقطه های دوم از خود مقاله است و نقطه اول و تاکید زماست) آری به زعم اپورتونیست ها قوانین کار را طبقه وزارت کار! خودسرانه تصویب می کنند کل دولت به عنوان دیکتاتور طبقه حاکم، کمی هم جلوتر برویم می بینیم که آگاهان منا بالاخره مجرم اصلی را پیدا می کنند "تصویب نامه های خودسرانه و ضد کارگری" مسئولین و کارشناسان وزارت کار به انبوه وسیع تئوری از کارگران لزوم شرکت و دخالت فعالانه شان را در تدوین قوانین و ضوابط ضد کارگری نشان داد (همانجا تاکید زماست) دیا لکتیک در شیوه تحلیل یعنی همین! یا بپندی به "دیا لکتیک سخت زمینی" یعنی همین! طوی حرکت بسوی "ارش موعود" را فقط "مسئولین و کارشناسان" می گیرند! تصویب نامه ها خودسرانه است آنها هم خود سری "مسئولین و کارشناسان" وزارت کار، ربطی به رژیم جمهوری اسلامی ندارد! (عقابسه کنید بنا شیوه استادان (حزب توده) در هفته نامه اتحاد، بله اختلاف در پختگی است.)

سیاستی که کمیته مرکزی بر آن تاکید و با فشاری می کند سیاستی است که هدفش نه پیشبرد مبارزه طبقاتی و ارتقاء سطح مبارزات طبقه کارگر، بلکه مسکوت گذاردن تضاد طبقاتی یا به عبارت دیگر موعظه آشتی طبقاتی و امکان تحقق منافع کارگران در چهار چوب رژیم اساسا بورژوازی جمهوری اسلامی و به بیانی رسا تر "رویا ندهن سوسالیسم" ز داخل حاکمیت بورژوازی است. این سیاست آشتی عویانه که منافع تاریخی طبقاتی پرولتاریا را تابع اهداف رفرمیستی

خود می نماید در مقطع کنونی مفرخود را در طفره رفتن از پاسخ روشن و صریح به مسئله ما هیت حاکمیت کنونی می جوید اپورتونیسم راست یا توسل به تئوری دوگانگی خرده بورژوازی توحیسه تئوریک رفرمیسم خود را می باید... او نمی خواهد در برابر (اگر هم در برابر) روی مبارزات نمی آورد (در مبارزه و مبارزه است که طبقه کارگر بورژوازی را وادار به تصویب قوانین به نفع خود می سازد که هر چند نا چیز، در بهبه خود وضعیت و شرایط دشوار زندگی و امر پیشبرد مبارزه طبقاتی شان مفید می افتد. از این روست که انتظار دارد با لغو قانون سهیم کردن کارگران در سود کارخانه قانون جدید و بهتری جایگزین شود. (البته بوسیله خود حاکمیت و گله مندان حاکمیت می پرسد "وقتی قانون طاعتی لغو می شود آیا نباید قانون مترقی جایگزین آن شود" (ارگان سراسری شماره ۷۰)، "کمیته مرکزی" کاری ندارد که آیا ما هیت حاکمیت، این اجازه را می دهد که بدون مبارزه بیامان کارگران و زحمتکشان و یا بدون ترس از واچگیری مبارزات کارگران، بسود آنان قانونی تصویب کند؟ رفرمیسم مجبور است چنین توضیحی را ندهد چرا که رسالتش دادن زدن به توهم کارگران نسبت به حاکمیت است نه امر پیشبرد مبارزه طبقاتی. (کمیته مرکزی تراهای جدیدی (البته چندان جدید هم نیستند به مردم) ارگان رویزیونیست های حزب توده مراجعه کنید) برای ارائه نقطه نظرات خود برای تبرئه "خط امام" و تظہیرش یافته است! و خود را پشت نقل قولهای دیگران پنهان می کند برای مثال از کارگران کیهان نقل می کند "آیا حذف سود ویژه و فرصت دادن به ضد انقلاب گامی است در خط امام؟" (تاکید از ماست) کمیته مرکزی زبان غیر باز کارگران دعوت می کند که از صف مستقل خویش منصرف شده و بدنبال چه حاکمیت (خط امام) تبدیل شوند.)

کمیته مرکزی وقتی مطرح می کند "لغو قانون فوق (سود ویژه) بدون جایگزینی قانون بهتری صورت پذیرفت" (همانجا) در واقع امکان تصویب قانونی به نفع طبقه کارگر بدون فشار و مبارزه آنان از جانب حاکمیت ظاهرا خرده بورژوازی! را تبلیغ می کند. البته اگر حاکمیت به اصطلاح ضد امپریالیست! و انقلابی! یا ردیگر واقعی به توصیه حزب توده و "کمیته مرکزی" نگذاشت چه باک این بار نیز مانند کشتار خلق های ترکمن و کرد و عرب و با سرکوب کارگران بیکار

## سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد





درود و ... می شود گفت که بار "گانه" بدخترده بورژوازی عود کرده است. کمیته مرکزی به نفع ارکان رگرا نیستروا می شود. تصمیمی که در آن شکل های کارگری همچون سوراها، سندیکا های کارگری و کانون های کارگری نیستی نداشته باشند از نظر کارگران همساعتی اعتناری نداشته و مورد بدبینی کارگران نیست. (ارکان سراسری شماره ۷۰) آری صورتش داشتن شکل های کارگری در صورت توانستن کارگری بخوان (ضد کارگری)، اعتبار به عنوان می بخشد. به زعم فرمیست ها در چهار چوب سرما به داری و استیسه، دولت بورژوازی البته می تواند توانستن معتبر و مورد بدیش کارگران تصویب نماید (دگر لژیومی به سرکونی دولت بورژوازی نیست) برای اینکار کافی است که فقط "کمیته مرکزی" (با حزب نوده فرشی نمی کند) در تصویب توانستن کارگری بخش داشته باشند. آنها آرزوی آن را دارند که مسوود مشورت هیئت حاکمه بورژوازی قرار گیرند مسئله آنان لغو سود ویژه نیست. ناراحتی شان از "تصویب بکتابه و خود سرانه (وبی موع) وزارت کار و شورای انقلاب در مورد سود ویژه و تقلیل آن به دو ماه بیاداش سالانه است" فشاری بر آن می کنند تا در کنار وزارت های مالیه - تجارت و خدمات عمومی، در کنار ریزش و بانک یک کسه سوسیالیستی بنا (کرد) که خام اعظمش ... عمر جدید را بشمارت دهد (مبارزه طبقاتی در فرانسه - مارکس - تاکید از ماست) تا به عبارت دیگر ناراحتی شان این است که رژیم اساسا بورژوازی جمهوری اسلامی فرتهی خام های اعظم را به تنشان براننده نمی بیند آنان غافل انداز اینکه حتی کنیسه سوسیالیستی ای که آرزوی رادارنده بدون مبارزه بدون کسرتن مبارزه بدست نمی آید. آنان بیشترین سعی را می کنند که با پند و اندرز - نصیحت پدران به شرح قدرتمندان جمهوری اسلامی را برانگیزانند: می نویسند (از قول کارگران پیشرو) "برای مقابله با کسری بودجه آیا تنها باید بر کارگران فشار آورد؟ (همانجا) به عبارت دیگر می گویند عالی جنابان! این حق را برای شما تا لیم که به کارگران فشار بیاورید اما کمی کمتر و هشدار می دهند "اینگونه طرحها بیش از پیش تولید را به اختلال می کشاند (ارکان سراسری - ۷۰) تولیدی که به زعم خام های فردا (البته اگر لیاقت خود را به بورژوازی نشان داده باشند) حفظ و از یادش ما را از محاصره اقتصادی نجات خواهد داد، بدین معنی مبارزه برای راه اندازی واحدهای تولیدی و از یاد تولید مبارزه ایست ضد امپریالیستی در چهار چوب چنین تفکری سرما به داران ضد امپریالیست ترین اندونما بنده شان جناب بنی صدر هم همینطور. چرا که کسه بیشترین مبارزه را بنی صدر و نویری و ...

با رکود و بحران اقتصادی می کنند. همین دلیل است که "ارکان سراسری" شورای انقلاب و بنی صدر را که سود ویژه کارگران را لغو می کند متحدان طبقه کارگری می خواند. بوجه کسب ۱۸ - سابه تجارب ساسی طبقه کارگر که بصوبت لاجد جدید توسط شورای انقلاب ورثش جمهور کی از آنان است ... به انگای تجارت مستقیم کارگران بی توان و با ... نشان داد که متحدان طبقه کارگر، تا کجا منافع او را در نظر می گیرند (ارکان سراسری شماره ۷۰). فرمیست ها هیچگاه رابطه بین رفرم و انقلاب، رابطه بین رهبر و رهبر ها بی مبارزه روز مبره و انضادی طبقه کارگر، و هدف نهایی را توضیح نمی دهند. آنها هیچگاه رابطه تفکیک ناپذیر بین رفرم و انقلاب را توضیح نمی دهند، هیچگاه توضیح نمی دهند که رفرم محصول فرعی مبارزه انقلابی پرولتاریاست. کمیته مرکزی نیز از این قاعده مستثنی نیست. او واکنش انقلابی کارگران را چنین توصیف می کند "واکنش انقلابی ... منطبق با تعمیم و تداوم این اعتراضات در توده های کارگران بود و کم و کیف و علل این تصمیم گیری ضد کارگری وزارت کار و شورای انقلاب و همچنین نتایج زیانبار آن را توضیح می دهد! (ارکان سراسری - ۷۱) واکنش انقلابی را می توان از زبان کمیته مرکزی چنین بیان کرد:

- ۱- توضیح کم و کیف علل این تصمیم گیری یعنی توضیح دوگانگی خرده بورژوازی حاکمیت، توضیح "گانه" بدان که در شرایط بحرانی و کسری بودجه و محاصره اقتصادی به نفع سرما به داران عمل می کنند.
- ۲- توضیح نتایج زیانبار آن یعنی این مسئله که لغو سود ویژه به اتحاد (۱) سرما به داران و کارگران (که به برای مبارزه ضد امپریالیستی احتمالاً باید تا مین شود) لطمه می زند و ممکن است باعث شود که کارگران برای بدست آوردن حقوق خود دست به اعتصابات بزنند و در تولید اختلال شود و مبارزه اقتصادی - کاهش باید!
- ۳- تعمیم و تداوم این اعتراضات در توده ها یعنی تا کبدر "شرکت فعالان توده کارگران (از طریق تشکیلات و نمایندگان واقعی شان) در تدوین قانون کار جدید" (ارکان سراسری - ۷۱). اینجاست سیاستی را که حزب جمهوری اسلامی در زمینه اعتراضات کارگری ترویج می کند در تفکر کمیته مرکزی "باز می یابیم. سیاست "تعلیق به محال" یا سیاستی که اعتراضات کارگری را که در حال شکل گیری اند سازمان نمیدهد بلکه جلوی آنها را میگیرد او به آینه خوش بینان می سازد، مسئله آقا نون کار را پیش می کشد. البته چگونه تدوین قانون کار جدید از اهمیت ویژه ای برای کارگران برخوردار است تا بدیهه کارگران مسئله شرکتشان در تدوین آن را توضیح دهد.

با بدیهه آنها توضیح داد که برای بدست آوردن امتیازات جدیدی از حاکمیت بورژوازی و او را در گردن آنان بدعت سستی های کد برای سورد مبارزه طبقاتی طبقه کارگر است و بردهای داردمبارز با عدالت مسئله قانون کار جدید، بدین بار با نفع اعتراضات کارگران را بر علیه لغو سود ویژه و جلوگیری از شکل گیری آن ها (به بهانه اختلال در تولید) بوجه نوبه می کند. هم دلیل لغو سود ویژه بی اعتبارات کارگران را سازمان داد و حقوق لغو شده آنان را بر پس گرفت و هم بی اعتبارات برکت بدین قانون کار، برای شرکت واقعی کارگران مبارزه نمودا عدو واقعی بکد کردن سیدرنگی تا سید توان کف مضمین بکد کردن سید سوان که اگر کارگران سر و بی توانستند از طریق سازماندهی اعتراضات، مبارزه کارگران را محور بکنار رجه بر علیه لغو سود ویژه سبب برسد توان آن را می باید که به مسوودت موسری برای شرکت بر بدین قانون کار مبارزه نماید.

اگر بویسیم راست ارکان رگرا بیرومی خواهد تا سان دادن موارد شخص و عینی ارباب رات خوب و ز سان توانستن و آئین با عه های که با کتون (جهت رگدسه و جه در حال) بدون شرکت کارگران بدین سده اندیر مسوودت شرکت فعالان نمایندگان واقعی و آگاه کارگران در آمد بدین قانون کار بخش از بیس تا کید و رید" (ارکان سراسری - ۷۱) چرا که "یک قانون کار مترقی می تواند سکلانی چون سود ویژه و نفع را آن با سنجی جدی بدهد" (همانجا).

نه!، ما به کارگران بی ثوت پس پاسخ جدی به مشکلات جدی خود را در نظام سرما به داری در قانون بدست کار هم نمی توانست ساد و انا کسه می کنیم با سان دادن موارد عینی و عینی از تا نخرات زانبار حسیس توانستنی ما هیت رژیم اساسا بورژوازی جمهوری اسلامی و عمل کرد های آن را در جهت بازسازی سرما به داری وابسته به کارگران بدست توضیح دهید. لزوم شرکت کارگران در تدوین قانون کار جدید را توضیح دهید ما رابطه رفرم و انقلاب را به فراموش نکنید که "از نظر سوسال دموکراسی میان رفرم و انقلاب اختفای رابطه تفکیک ناپذیری وجود دارد این معنی که برای اور فرم اختفای وسیله است و دگر کونی اختفای جدی (روزالوکرا مورک، رفرم با انقلاب). توضیح دهید که سوسال سیم از سرما به داری میروید آنطور که مروجین "راه رشد غیر سرما به داری" ادعا می کنند. توضیح دهید که "کوشش جدی و آگاهانه برای تمیض کردن قدرت ساسی سرری اولیه مبارزه برای رفرم های اختفای ... است" (روزالوکرا مورک، رفرم با انقلاب).

# تعطیل دوروز در هفته گامی در جهت تأمین رفاه کارگران و لازمه ارتقاء آگاهی آنان است

# هزینه جنگ بردوش زحمتکشان

در حاشیه مصاحبه بهشتی:

روز چهارشنبه ۹ مهر ماه بهشتی در یک مصاحبه با خبرنگاران داخلی و خارجی شرکت کرد، در این مصاحبه نکاتی چند قابل توجه است زیرا که ما هیئت جمهوری اسلامی را برای مردم میهنمان بهتر روشن خواهد ساخت. در قسمت اول مصاحبه خبرنگار می پرسد "با توجه به ماهیت ضیاء الحق و چگونگی رژیمش در پاکستان، آیا پذیرش ضیاء الحق آنهم بطور رسمی قابل قبول بود" دکتر بهشتی با زیرکی خاصی سؤال را برمیگرداند و می گوید "مسئله پیوند برادرانه میان ما و ملت برادر پاکستان مسئله بسیار جدی است" از این جمله چنین برمیآید که ضیاء الحق این مزدور امریکا و همپالگی شاه خائن نماینده مردم پاکستان است او با وقایع حتی تمام پذیرش او را بمنتهای پذیرش ملت پاکستان قلمداد می کند و دشمنی این خائن به ملتشرالاپوشانی می نماید.

اما قسمت دوم مصاحبه خیلی جالبتر است و در پاسخ خبرنگاری که پرسد "یا صلاح میداند که چه پیوسته شود" او با پرداخت حقوق ماهانه ۷۵۰۰ تومان لغو شود" می گوید: "در زمینه نزدیکتر کردن سطح درآمد ها برای رسیدن به نوعی نظام برادری اقتصاد اقدامات سودمندی با پیدا انجام گیرد امروز ملت ما خود با خاسته است که تمام هزینه های ترمیم خسارات ناشی از جنگ را بپردازد. فکر می کنم برای این منظور چه بهتر که در این مرحله از زمان آمدگی داوطلبان نهمت استفاده شود تا انجم روحی و عاطفی روز بروز بیشتر شود. بزعم آقای بهشتی ملت زحمتکش و کارگران و زحمتکشان کافی است مخارج جنگ را بپردازند و ثروتمندان و حقوق بگیران بالاتر از ۷۵۰۰ تومان که خود ایشان را نیز شامل می شوند نباید تحت فشار قرار گیرند. بلکه مخارج جنگ را باید همان زحمتکشان بپردازند که حتی مخارج زندگی حداقل آنها نیز با گرانی موجود تا میسر نمی شود. بهشتی یکبار دیگر بوضوح نشان داد که جمهوری اسلامی

توصیه شود پرداخت حقوق ماهانه ۷۵۰۰ تومان لغو شود" می گوید: "در زمینه نزدیکتر کردن سطح درآمد ها برای رسیدن به نوعی نظام برادری اقتصاد اقدامات سودمندی با پیدا انجام گیرد امروز ملت ما خود با خاسته است که تمام هزینه های ترمیم خسارات ناشی از جنگ را بپردازد. فکر می کنم برای این منظور چه بهتر که در این مرحله از زمان آمدگی داوطلبان نهمت استفاده شود تا انجم روحی و عاطفی روز بروز بیشتر شود. بزعم آقای بهشتی ملت زحمتکش و کارگران و زحمتکشان کافی است مخارج جنگ را بپردازند و ثروتمندان و حقوق بگیران بالاتر از ۷۵۰۰ تومان که خود ایشان را نیز شامل می شوند نباید تحت فشار قرار گیرند. بلکه مخارج جنگ را باید همان زحمتکشان بپردازند که حتی مخارج زندگی حداقل آنها نیز با گرانی موجود تا میسر نمی شود. بهشتی یکبار دیگر بوضوح نشان داد که جمهوری اسلامی

دسترنج زحمتکشان برای تهیه لوازم بدکی و غیره بجایب امپریالیستها می رود. مسئله دیگر مذاکره با دولت یونان برای تغییر فائوهای ایران و یا سایر وسایل جنگی است دکتر بهشتی با صراحت (بخوان) واقاحت می گوید "ما می خواهیم روابط دوستانه با تمام کشورهای جهان داشته باشیم اگر آنها استقلال کامل ما را مورد احترام قرار دهند. دو نکته در این قسمت قابل بررسی است یکی اینکه دولت یونان که جز و پیمان ناتو و یک دولت سرسپرده امپریالیسم در منطقه است بنا بر این طبق معمول فائوهای ما توسط سرسپردگان آمریکا تعمیر می شود، یعنی باز هم همچون گذشته حاصل دسترنج زحمتکشان ما بجیب امریکا می رود اما بطور غیر مستقیم می رود چرا که متخصصین و مستشاران نظامی آمریکا در یونان به تعمیر آنان میپردازند در واقع تنها مکان آن تغییر یافته اما نکته جالب دیگر بیان این مسئله است که رابطه با هر کشوری

مجاز است بشرطی که استقلال ما را نایتد کند. باید از آقای بهشتی پرسید که آیا امپریالیسم چیزی جز منافعش را می خواهد از کشور ما تا مین نماید. قسمت دیگری از مصاحبه بهشتی - والای ارتش پهنس از جنگ اشاره شده و بهشتی می گوید "ارتش ایران نشان داد که ملت می تواند به او اعتماد کند و از طریق این اعتماد ارتش ارزش بیشتری پیدا کرده است. مادر تحلیل ما هیئت جنگ کنونی متذکر شدیم که ارتش از طریق این جنگ و نقش دفاعی از میهن تلاش می کند هم سابقه کشتار قبل از قیام چون ۱۷ - شهر یورو ۱۲۰۰۰ را از دهن توده ها بزداید و هم کودتاگران اخیر در پس پرده دفاع از میهن منز نشوند، از زندانها بیرون کشیده شوند و دادگاههای کودتاگران متوقف شوند و بعبارت دیگر ارتش احیاء گردد و احیای ارتش و تقویت آن تنها برفع سرمایه داران و ایجاد امنیت و آرامش موعود برای سرمایه گذاران است.

## هم میهنان مبارز!

بنابه گفته وزیر نفت:

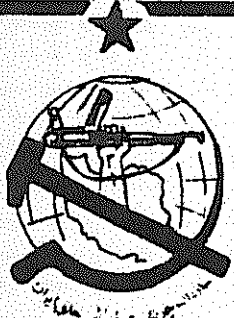
دولت صادرات نفت را به کشورهای امپریالیستی ادامه میدهد، ولی برای تامین مصارف داخلی کاری نمیکند. "زیرا مردم تحمل دارند."

## ما میگوئیم:

این سیاست نشان دهنده علاقه و نزدیکی دولت مستضعفان! به امپریالیستها و بیگانگی آن با توده های محروم میهن ماست.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

ت.الف - ۱۶



رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی  
دمکراتیک خلقهای ایران است

# جنگ ایران و عراق و تحکیم...

بقیه از صفحه ۱۴

برای هیئت حاکمه دربار سازی ارتش ایجاد کرده است. علاوه بر اینها رقابت سیاه با سداران که تحت نفوذ حزب جمهوری اسلامی است با ارتش بر سر کسب موقعیت برتر در زمینها، که نمودی از تضاد بین لیبرالها و سران حزب حزب جمهوری اسلامی است، موانعی بر سر راه بازسازی ارتش ایجاد کرده بود.

ما در کردستان و سایر مناطق شاهد روز اختلافات بین ارتش و سپاه پاسداران (علیرغم وحدت کاملشان در سرکوب توده ها) بودیم. حزب جمهوری اسلامی که سپاه پاسداران را تحت نفوذ خویش داشت سعی میکرد برای کسب موقعیت برتر در هیئت حاکم، سپاه را در برابر ارتش (که تحت نفوذ لیبرالها میباشند) تقویت کند. این تلاش حزب جمهوری اسلامی بویژه پس از کشف کودتای اخیر بسیار چشمگیر بود. سپاه پاسداران که از لحاظ تعداد نمرات کمتر از ارتش بود و از لحاظ کیفیت نظامی و آموزش در سطح پایینتری نسبت به ارتش که تحت نظارت مستشاران آمریکایی تربیت شده و آموزش دیده قرار دارد، علیرغم تبلیغات و تمایلات وسیع و سوخته دلانه ایورتونیستهای "کمینه مرکزی" فقط به سلاحهای سبک مجهز است. از لحاظ نظامی قابل مقایسه با ارتش نبوده و در سطح بسیار پایینتری نسبت به آن قرار دارد. این ضعف بویژه هنگامی که جنگ دامنه وسیعی بخود میگردد و ضرورت استفاده از سلاحهای سنگین و نیروی هوایی صمان میآید آشکارتر میشود. این ضعف حتی وقتی که جنگ در کردستان دامنه وسیعی بخود میگردد آشکارانجام میخورد. خلاصه سپاه پاسداران

نیروئی است که در جنگهای محدود جهت سرکوب توده ها میتواند نقش داشته باشد و در جنگهای وسیع بویژه جنگ بیندولتها که شکل کلاسیک بخود میگیرد و ضرورت شرکت نیروهای زمینی، دریایی و هوایی مطرح میشود نقش موثری نخواهد داشت.

شروع جنگ وسیع بین ایران و عراق این برتری ارتش را به نحو چشمگیری آشکار ساخت. حاکمیت کنونی که بنا به ماهیت خویش اعتقاد دهنده مسلح ساختن توده ها ندارد و بعوض اتکاء به نیروی توده ها بر ارگانهای سرکوب بورژوازی متکی می باشد. میبایست هم در جنگی ارتجاعی به ارتش ضد خلقی متکی گردد.

شروع جنگ بین ایران و عراق این فرصت را به لیبرالها داد که بیش از پیش و با سرعت بسیار مانندی در جهت بازسازی ارتش اقدام کرده و به تقویت موضع ارتش در برابر سپاه پاسداران بپردازند.

امروزه تنها تجهیزات ارتش با خریده های کلان از آمریکا لیستها تکمیل میگردد بلکه تعداد زیادی از افرادیکه پس از قیام بازنشسته شده بودند به ارتش فراخوانده میشوند و حتی اعدا م کودتا چنان متوقف میشود و بسیاری از آنها آزاد شده و به ارتش بازگردانده میشوند تا با اصلاح در دفاع از "استقلال" و "آزادی" - میهن جنگند.

### ۳- تطهیر ارتش:

توده ها که در مبارزات خویش در مقابل رژیم در هفدهم شهریور ماه و غیره و در پیرویه قیام و پس از آن در تجربه شخصی خویش و بدرجه ما هیت ضد خلقی ارتش را در می یافتند و افشاگری نیروهای انقلابی ابر و سه آگاهی توده ها را تسریع کرده بود، تنها بدانجا که علیرغم کوششها و تلاشهای هیئت حاکمه توده های مردم اعتماد جدیدی به ارتش

نداشتند پس از شروع جنگ، تبلیغات دامنه وسیعی در جهت تبلیغ ارتش و جبهه سرافراز دادند. آنرا آغاز گذشته است. هم تا بدیده ها نسه سران سازشکار خرسرده بورژوازی ارتش و هم تبلیغات دامنه وسیع در جهت حمایت از ارتش و تبلیغ به نفع ارتش بخش مهمی از برنامهای آنها را تشکیل میدهد. شرایطی را بوجود آورده است که در مقیاس وسیعی بر توده ها با دامنه زده میشود و چنین وانمود میگردد که گویا ارتش مدافع منافع زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ایران است و بدین ترتیب برخیا ننتها و جناحیتها فیکه این ارتش در قبال توده ها مرتکب شده و میشود آب تطهیر ریخته شده و از آن عنوان نهادهای توده های که نجات میدهد توده ها است یاد میشود.

این تبلیغات موجب گسترش اعتبار و اتوریته ارتش در میان توده ها گشته و زمینه را برای اقدامات ارتجاعی بعدی ارتش فراهم تر میسازد. خلاصه کنیم: جنگ موجب گردید که ارتش مجهز تر و مسجّم تر

گرد و نیروها و مبره های ارتش تقویت درون ارتش تقویت گشته از موقعیت بهتری برخوردار گردند، ارتش از اتوریته و اعتباری در میان توده ها برخوردار گرد و به نوعی توده ها در مورد ارتش دامنه زده شود و بدین ترتیب هم ارتش برای سرکوب توده ها در آید و این توده ها از موثعبیت و توان بهتری برخوردار گردند و هم شرایط برای اجرای کودتا های احتمالی توسط ارتجاعی ترین محافل و بسته بسته بورژوازی بزرگ فراهم گردد:

اینک تقویت ارتش به ضرورت توده های زحمتکش و خلقهای تحت ستم میبماند و کلیه نیروهای انقلاب با شتاب و سرعت بی سابقه ای انجام میشود. تقویت ارتش بمعنای زمینه سازی برای سرکوب گسترده تر جنبش انقلابی و فرار هم آوردن شرایط برای برقراری مجدد سلطه بورژوازی بزرگ است. مارکسیست - لنینیست ها و سایر نیروهای انقلابی موظفند با تمام توان خویش این سیاست ارتجاعی و ضد انقلابی هیئت حاکمه را افشاء نموده و خطرات تقویت ارتش را برای توده ها توضیح دهند.

## گرامی باد یاد...

بقیه از صفحه ۱۶

راه رهایی پرولناریا دید. برای آنها کسی که با شور و عشق بی پایان در دل کوه و جنگل زیر آفتاب سوزان بی آب و غذا زولیده و کثیف بدنبال زندگی بهتر برای توده ها باشد، نه تنها ما چرا جواب بدهد بیوانه نیز بحساب می آید، آخر آنها اینطور فهمیده اند که باید تا فتهای جدا با فتهای توده ها بود.

بهر حال "چه گوارا" علیرغم برخی از خطاها و وضعفهایی که داشت، توانست نقشی ارزنده و بیس مهم در پیروزی انقلاب را بر عهده دهد. رهبران و مبارزان کوبا ایفای نقش برای نسلهای آینده الگوی درخشانی از تهور و بی باکی و مظهر عشق و ایمان به آرمان کارگران و زحمتکشان باشد.

"چه" پس از انقلاب پیروز مند کوبا در مقام وزیر صنایع و ریاست بانک ملی کشور خدمات شایسته ای در حفظ دست آوردهای انقلاب و تحکیم و تقویت حاکمیت کارگران و زحمتکشان انجام داد و سپس راهی بولیوی شد تا در آنجا نیز از تشخصم کارگران و زحمتکشان را علیرغم رژیم بارنتیکوش و ترساز دو در مقام یک رهبر مجرب که تجربه انقلاب کوبا را با خود دارد رهبر و سازمانده جنگ طبقاتی در این کشور باشد. منتهی از آنجا که

در نظر نمیگرفت که شرایط و موقعیت بولیوی با کوبا اختلافی اساسی دارد و نمیتوان عینا همان تجربه را در اینجا پیاده کرد. دچار اشتباه و حستناکی شد که از پیش محکوم به عدم موفقیت و شکست بود. تلاشی وسیع که امیرالیسم و رژیم بارنتیکو برای سر به نیست کردن او آغاز کرده بودند به نتیجه رسید و قبل از آنکه سیاست و مشی غیر واقع بینانه "چه" با شکست مواجه شود دستگیر شد و در روز نهم اکتبر سال ۱۹۶۸ بشکل فجیعی او را به قتل رساندند.

مرگ "چه گوارا" فاره آمریکا را متاثر کرد. برای انقلابیون جهان بخصوص کمونیستها از دست دادن "چه" ضایعه های بزرگ بود. اما مصمم تر از پیش، راه پرافتخار "چه" را که همانا رهائی زحمتکشان و نیل به سوسیالیسم است، ادامه دادند و پرچم سرخ رهایی را برافراشته تر از پیش بدوش کشیدند. فیدل کاستر در باره "چه گوارا" مینویسد:

"چه یک سربازی نظیر یک فرماندهی نظیر بود. او از نقطه نظر نظامی فردی فوق العاده شایسته، فوق العاده شجاع و فوق العاده نرزمند بود...."

نبرد و پیروزیهای لاس ویلاس و سانتا کلارا از او یک رهبر فوق العاده شایسته، یک استاد و یک هنرمند جنگ انقلابی ساخت. چه ضمن رهبری عملیات، نه تنها چریکهای زخمی، بلکه با همان توجه سربازان محروم دشمن را معالجه میکرد.

با اتکاء به نیروی توده ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشید

بقیه از صفحه ۱

### ● پاسخی به

## روزنامه جمهوری اسلامی

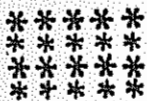
### خوانین مزدور قفقانی

### علیه خلق

### توطئه میکنند

چرا از این مزدوران حمایت کرد  
و چرا قشقائی این عنصر شناخته  
شده سیا و ساواک را آزاد کرد؟  
چگونه و آزادانه مشغول جمع -  
آوری نیرو، تجهیزات و آذوقه  
است؟ مردم سؤال می کنند  
چگونه هیئت حاکمه بر سر راه  
افرادیکه از جانب سازمانهای  
انقلابی برای نمایندگی مجلس  
معرفی شدند هزاران اشکال  
تراشید اما مزدوری چسبون  
خسرو قشقائی را مورد تائید  
قرار داد.

مردم سؤال می کنند که  
چگونه تدریجاً لیکه هم اکنون  
خسرو قشقائی با سایر خوانین  
فارس از قبیل محمدخان ضرغامی  
و خوانین بویراحمدم و شهبازی  
علیه توده های زحمتکش نوطئه  
می کنند، دولت جمهوری  
اسلامی نیروهای انقلابی را زیر  
شدیدترین فشار قرار داده و  
زحمتکشان کرد را سرکوب  
می کند؟



خوانین مزدور قشقائی که تا  
دیروز مورد دلف و حمایت هیئت  
حاکمه بودند و مشرکانه به سرکوب  
دهقانان و دیگر زحمتکشان فارس  
می پرداختند، امروز به شکلی  
دیگر خود را برای سرکوب و اعمال  
ستم بر توده های زحمتکش فارس  
آماده می کنند.

بر اساس اخبار موثق در نزدیکی  
کوههای دارنگون و سیخ واقع در  
۲۰ کیلومتری شیراز، خسرو ناصرو  
قشقائی این مزدوران سرسپرده  
امپریالیسم آزادانه مشغول جمع  
آوری سازماندهی چریکهای

مزدور محلی هستند. آنها با  
بکار گرفتن سایر مزدوران  
فراری از قبیل سهراب کشکولسی  
(که چندی پیش دستگیر، اما  
خیلی زود آزاد شد) و همچنین  
حسین خان فارسی و تعداد دیگری  
از خوانین مزدور مشغول راهزنی  
و توطئه علیه توده های زحمتکش  
هستند در حال حاضر، پس از  
غروب آفتاب عملاً عبور  
و مرور در جا ده های فارس  
دشوار شده است. اکنون هیئت  
حاکمه باید مردم پاسخ دهد که

امروز نیز ما بعوض حمایت از  
تقویت ارتش ما هیئت ضد خلقی  
آرافشائی می کنیم و شعاع  
تسلیم توده ها را می دهیم، اما  
بدیهی است که این شعار بمذاق  
سران حزب جمهوری اسلامی  
خو تا نیند نباشد، چرا که خلق  
مسلح برای سرمایه داران،  
زمینداران و تمام وابستگان به  
امپریالیسم بلای عظیمی است.  
بهمین علت نیز حاکمیت پس از  
قیام منتهای تلاش خود را بکاربرد  
تا به خلق سلاح مردم بپردازد. آیا  
میتوان رژیم را سرانگرفت که به  
توده ها متکی باشد، و از منافع آنها  
حمایت کند، اما از مسلح کردن  
توده ها در هراس باشد؟

رژیم جمهوری اسلامی بدین  
علت از تسلیم توده های هراس  
ارتش ضد خلقی را تقویت می کند و به  
فحش و دروغ علیه فدائیان خلق  
متوسل می شود که میدانند، خلق  
مسلح نه تنها در مقابل ارتش مزدور  
عراق ایستادگی خواهد کرد، و بویژه  
آنها را با خاک خواهد مالید بلکه در  
برابر مزدوران داخلی و سرمایه  
داران وابسته ایران نیز ایستادگی  
خواهد کرد.

بنابراین روزنامه جمهوری  
اسلامی حق دارد به ما اتهام بزندق  
بدروغ و فحش متوسل شود، اما ما  
از منافع توده های زحمتکش دفاع  
می کنیم و حقایق را بتوده ها  
می گوئیم.

روزنامه جمهوری اسلامی  
بعنوان مدافع منافع سرمایه  
داران، از اینکه در اطلاعیه  
خود ارتش را ضد خلقی معرفی  
کرده ایم، دیوانه وار فحاشی  
می کند و سازمان ما را وابسته به  
رژیم عراق و سرسپردگان رژیم  
شاه معرفی می کند. اما ما از این  
اتهامات هراسی نداریم. حقیقت  
را مردم می گوئیم و هر روز حقایق  
برای مردم مبارز میهن ما بیشتر  
آشکار می شود. بگذارید ما  
سرمایه داران و دشمنان کارگران  
و زحمتکشان هر چه می خواهند  
بگویند. ما در زیر هر کسائی که  
تسلیم فشارشان را نخواستیم  
می شوند، نیستیم. ما در همان  
حال که ما هیئت ارتجاعی و ضد  
خلق رژیم عراق را افشاء می کنیم  
و از نیروهای انقلابی و توده های  
زحمتکش عراق می خواهیم که در  
جهت سرنگونی آن تلاش کنند.

و هم میانه مبارز خود را بمبارزه  
علیه ارتش ضد خلقی و تجاوز  
کار عراق و مقاومت در برابر آنها  
فراموشی خوانیم، در همان حال  
نیز ما هیئت حاکمیت و ارتش ضد  
خلق ایران را نیز افشاء می کنیم.  
هم میهنان آگاه ما هیچگاه  
فراموش نمی کنند که رژیم  
جمهوری اسلامی نیز متاکنون  
چه فجایعی علیه توده های  
زحمتکش میهن ما و خلقهای  
تحت ستم کرد، ترکمن و عرب  
مرتکب شده و ارتش ضد خلقی  
چند روز در رژیم شاه و چه هرگز  
دست بجنايات هولناکی زده  
است. کمونیستها هیچگاه  
بمردم دروغ نمی گویند و حقایق  
را برای آنها توضیح میدهند.

پس از قیام سازمان چریکهای  
فدائی خلق ایران اولیست  
سازمانی بود که حاکمیت را افشاء  
کرد و ما هیئت لیبرالها را بهمه  
نشان داد، اما روزنامه جمهوری  
اسلامی از دولت موقت دفاع  
میکرد، هنگامی که تیمسار مدنی  
مزدور در خوزستان به سرکوب  
زحمتکشان دست زد، سازمان  
ما ما هیئت ضد خلقی اورا افشاء  
کرد، اما روزنامه جمهوری  
اسلامی بدفاع از او برخاست و ما  
را وابسته معرفی کرد، اما  
گذشت زمان مردم نشان  
داد که سرسپرده و وابسته چه  
کسانی هستند.

زحمتکش میهن ما ست ناشی  
می شود. اما نویسندگان این  
روزنامه باید بفهمند که با فحش  
و دروغ پردازي و از طریق جعل  
و تخریف حقایق نه تنها نمیتوانند  
در ما به حیثیت پرافتخار  
سازمان چریکهای فدائی خلق  
ایران خدشهای وارد سازد بلکه  
بیش از پیش ما هیئت ضد خلقی و  
هوچیگریهای خود را برای مردم  
روشن می کنند. ده سال سابقه  
درخشان و مبارزه پیگیر سازمان  
چریکهای فدائی خلق ایران  
علیه امپریالیسم، رژیم مزدور  
شاه، سرمایه داران وابسته، و  
نمای ایادی و مزدوران امپریالیسم  
که مسحور از جانب زبده ها و  
فداکاریهای فدائیان خلق بوده  
است، مشت محکمی ست بدهان  
یاوه سرایان و پادوان امپریالیسم  
و سرمایه داران وابسته.

هم میهنان مبارز ما اکنون دیگر  
آگاهند که فدائیان خلق  
دشمنان سوگند خورد و آشتی  
ناپذیر امپریالیسم و سرمایه  
داران وابسته بود و علیه هرگونه  
سمنی در کنار توده ها تا پای جان  
ایستادند.

توده های زحمتکش میهن ما  
باید قضاوت کنند که آیا فدائیان  
خلق که در دوران رژیم شاه، به  
نیروی مسلحانه با آن برخاسته  
و بشهادت رسیدند و یازندان  
های رژیم شاهانبا شکار آنها  
بود، و وابسته به رژیم شاه و  
امپریالیسم هستند یا رهبران  
حزب جمهوری اسلامی نظیر  
بهشتی ها، آیت ها و...؟  
هنکا میکهد فدائیان خلق  
قهرمانان علیه رژیم شاه و  
سرسپردگان آن مبارز میگردند  
رهبران حزب جمهوری اسلامی  
و یا و سرایان روزنامه جمهوری  
اسلامی کجا بودند؟ آیا جز  
این است که به مدح و ستای  
آریا مهربی مشغول بودند؟  
آیا فدائیان خلق وابسته  
به امپریالیسم و سرسپردگان آن  
هستند یا رهبران حزب جمهوری  
اسلامی نظیر بهشتی که با  
ماورین "سیا" نظیر هنری تاک  
هویرز و امثالهم تماس می گیرد؟  
آیا فدائیان خلق مزدورند یا  
آیت ها که سابقه خیانتها و  
مزدوری آنها بر توده های زحمتکش  
میهن ما روشن و آشکار است.

### هم میهنان مبارز!

دولتهای سرمایه داری در پوشش جنگ های میهنی، هدفی جز  
پیشبرد منافع سرمایه داران و پایمال کردن حقوق زحمتکشان ندارند.  
همراه با افشاء ماهیت این جنگ تحمیلی و جنایتکارانه توده ها  
را مسلح و در هسته های مقاومت توده ای، با هرگونه تجاوزی به  
مقابله برخیزیم.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

ب. الف - ۴۴

# استقلال - کار - مسکن - آزادی

# هسته‌های سرخ...

بقیه از صفحه ۴

می‌دادند اما از آنجا که در یک سیستم غیراصولی قرار داشتند، نتوانستند آنچنان که باید کاری از پیش ببرند و ما در این نوشته هدفمان بررسی اجمالی سیستم حاکم بر "کمیته-کارگری" سازمان بودنه جزء جزء آن است.

**۱- هسته‌های سرخ کارخانه، ضرورت و توجیه آنهاد را بر مبنای توجه به اینکه جنبش کمونیستی ایران در شرایط کنونی، تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر را هدف مرحله‌ای خود قرار داده است صرف نظر از چگونگی پروسه تشکیل حزب طبقه کارگر در ایران و جوامع مختلف که در شرایط خاصی از "کار" آمده است، فقط به ذکر خصوصیات چند از حزب انقلابی پرولتاریا اکتفا می‌کنیم.**

"حزب کارگری" برای آنکه حزبی، حزب طبقه کارگر باشد، باید پیشینه‌های سیاسی طبقه کارگر را در بر گیرد. "حزب کارگری" باید پیشینه‌های سیاسی طبقه کارگر را در بر گیرد. "حزب کارگری" باید پیشینه‌های سیاسی طبقه کارگر را در بر گیرد. "حزب کارگری" باید پیشینه‌های سیاسی طبقه کارگر را در بر گیرد.

مسئله "تحقق چنین مسئله‌ای بدون نفوذ در طبقه، بدون برقرار کردن رابطه سیاسی - تشکیلاتی با کارگران امکان پذیر نخواهد بود. همچنین واضح است که چگونگی نفوذ در طبقه و برقراری ارتباط با کارگران، از کارخانه‌ها و واحدهای کارگری جامعه عمل بخود می‌پوشاند و همانطور که گفتیم به بررسی این هسته‌ها خواهیم پرداخته نه به چگونگی پروسه تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر در ایران. اما قبل از آن بهتر است که رابطه بین هسته‌های سرخ و حزب را تا حدودی مشخص نماییم.

هسته‌های سرخ کوچکترین واحدهای سازمانی ما هستند. این هسته‌ها به گونه‌ای تشکیل می‌شوند که در هر کارخانه یا واحد تولیدی یک نفر یا دو نفر عضویت می‌یابند و به منظور مبارزه با اوضاع موجود در آن واحد تشکیل می‌دهند.

# • اخراج و ممنوع التدریس کردن معلمین مبارز و آگاه

در اولین روزهای سال تحصیلی جدید، آموزش و پرورش هشتمین به پیروی از دستورالعمل‌های مرکز، اخراج و ممنوع التدریس کردن معلمان انقلابی و مبارز را آغاز کرد. تنها در هشتمین ۱۷ معلم انقلابی و مبارز اخراج شدند. البته مسئولان آموزش و پرورش و هیئت‌های پاکسازی به طرز فریبندگویی شرمناکی این معلمان را همراه معلمان

ساواکی و سرسپرد ما اخراج می‌کنند تا به این ترتیب خود را از زیر ضربه خلاص گردانند. اما، مسئولان آموزش و پرورش هشتمین برای اینکه معلمان آگاه را اخراج و یا ممنوع التدریس کنند، قبلاً اقداماتی انجام دادند. نخستین اقدام آنها، اعزام معلمان و دبیران مرتجع و وابسته به حزب جمهوری اسلامی برای دیدن دوره‌های مخصوص

"مدیریت" و "ریاست" دبستانها و دبیرستانها و راهنمایی‌ها، بود. این افراد در آینده موظف خواهند شد که سیستم اطلاعاتی و ردیابی معلمان آگاه و انقلابی را در مدارس ایجاد کنند. در قدم بعدی آموزش و پرورش اخراج دانش آموزان هوادار سازمان‌های انقلابی و مترقی را در نظر دارد.

# کیمیان: جنگ خیلی خوب است و...

کشورهای صنعتی ۶ میلیارد دلار از جنگ ایران و عراق سود بردند

کشورهای صنعتی ۶ میلیارد دلار از جنگ ایران و عراق سود بردند

پنجشنبه ۳ مهر ماه ۱۳۵۹ - شماره ۳۶۱

## انقلاب اسلامی

ایران میتواند لوازم یدکی ساخت آمریکایی مورد احتیاج خود را از کشورهای دیگر وارد کند

بزرگترین ترانسپورت استیج...  
بزرگترین ترانسپورت استیج...  
بزرگترین ترانسپورت استیج...

چهارشنبه نهم مهر ماه ۱۳۵۹ - ۱۴۰۰ نوامبر - ۱۹۸۰ شماره ۱۹۵

## میزان

ما سوختی شد ایم قطعات یدکی برای ابزار جنگی و نظامی خود بحد کافی تامین کنیم

بزرگترین ترانسپورت استیج...  
بزرگترین ترانسپورت استیج...  
بزرگترین ترانسپورت استیج...

• آیا باز هم در اینکه جنگ وابستگی به امپریالیسم آمریکا را افزایش میدهد جای شکی میماند؟

• آیا باز هم در اینکه جنگ در خدمت امپریالیسم آمریکا است جای حرفی باقی میماند؟

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

ت الف ۱۵

# پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

# جنگ ایران و عراق

## و تعظیم موقیعت ارتش

بررسی جنگ ارتجاعی دولتهاي ايران و عراق از تمام زوایا و جوانب از جمله اثرات آن بر ارتش ضد خلقی در چنین لحظات حساسی دارای اهمیت فوق العاده ای است.

این جنگ صرف نظر از بدبختیها و مصائب فراوانی که برای توده های زحمتکش مبنیان را مغان خواهد آورد، تغییراتی در موقیعت نیروهای مختلف بوجود آورده و موجب تقویبت موضع لیبرالها و تقویبت و قدرت گرفتن ارتش ضد خلقی خواهد گردید.

امروز سوسیال فرمیستهای "کمیتة مرکزی" با تبلیغ جنگ میهنی و انقلابی توسط هیئت حاکمه از همکاری بنیان نه همکاری آشکار با هیئت حاکمه روی آورده رتوده ها را به جنگ تحت هبری بورژوازی ضد خلقی را میخوانند. آنها با شور حرارت مخصوصی با تبلیغ دفاع طلبی "شوونیستی"، حمتگشان را برای پیوستن به نیروهای مسلح تحت هبری بورژوازی ترغیب نموده، ارتداد دوروی برداندن کا مل خود را از خط شی انقلابی و پیوستنشان باصفوف بورژوازی اعلام میکنند.

هر دو جناح اصلی بورژوازی اکم علی رغم اختلافات و قابتشان در کسب موقیعت زتر در قدرت دولتی، ارتش را تطهیر نموده و با تویبت و با زسازی همه جانبه ترا لشکر اسلام و منجسی مستضعفین به توده های برفی می کنند. امروز رسانه های گروهی ر تبلیغات مختلف رژیم بهوری اسلامی، تقویبت تش و دفاع از آن در سرر چه بر نامه ها قرار گرفته لرگونه تبلیغی علیه

ارتش ممنوع اعلام گشته است. رژیم جمهوری اسلامی در تقویبت ارتش تا بدانجا پیش رفته که حتی برخی از فرماندهان ارتش را که پس از قیام بهمین ماه با زنشسته شده بودند و یا حتی برخی کسانی را که با اتهام شرکت در کودتا در زندان و در انتظار محاکمه بسر میبردند به خدمت بازگردانده است. ارتش ایران که تحت نظارت مستقیم مستشاران آمریکا سا زماندهی و تربیبت شده با سلاحهای غربی و بویژه سلاحهای مدرن آمریکایی مجهز است. در جریان قیام و مبارزات قبل و بعد از آن ضربات سنگینی را متحمل گشته است و علی رغم تمام تلاشهای هیئت حاکمه در جهت با زسازی و تقویبت آن پس از قیام، فاقد انسجام، قدرت و نظم سابق میباشد. این ارتش که بجز تغییر برخی مهره های فرماندهی تغییرات اساسی و نیلیدی در آن صورت نگرفته و پس از قیام همچنان نقش ضد خلقی خود را در هر کوب مبارزات خلق کرد و ترکمن و سایر خلقهای تحت ستم ایران بخوبی آشکار ساخته است. امروز با شتاب بی سابقه ای تقویبت و با زسازی میشود. ارتش بطور کلی از سه جنبه زیر قابل بررسی است:

### ۱- از لحاظ تجهیزات نظامی:

ارتش ایران همانطور که میدانیم از لحاظ تجهیزات متکی به امپریالیستها و در درجه اول امپریالیسم آمریکا است. اغلب تجهیزات نیروی هوایی و هوایماهای مختلف جنگی نظیر اف ۴، اف ۷، اف ۴، چهارده و غیره از آمریکا خریداری شده است. سیستم کنترل لورادار هانی ز عمدتاً

آمریکایی است. سلاحهای نیروی زمینی و دریایی از دولتهاي امپریالیستی خریداری شده است. ارتش ایران از لحاظ تجهیزات نظامی کاملاً وابسته به امپریالیستهاست. مهمات جنگی و وسایل و قطعات یدکی نیز تنها میتواند از امپریالیستها تامین شود. با توجه به احتیاجی که ارتش به تامین مهمات و وسایل یدکی برای جنگ گسترده کنونی دارد، شکی نیست که ناچار است برای رفع نیازمندیهایش به امپریالیستها روی بیاورد و هم اکنون نیز روی آورده است.

روز پنجشنبه سوم مهر ماه روزنامه انقلاب اسلامی بنقل از خبرگزاری فرانسه درواشنگتن نوشت:

"با وجود تحریم اقتصادی آمریکا که بعد از بمباران گرفتن آمریکا قیهاد تهران بمرحله عمل درآمد ایران ممکن است بتواند لوازم یدکی برای سا زوبزرگ نظامی خود را تهیه کند.

وزارت خارجه آمریکا روز سه شنبه به خبرنگاران گفت بعضی لوازم یدکی ساخت آمریکا ممکن است از کشورهای دیگری خریداری شود که تحریم اقتصادی را علیه ایران اعمال نکرده اند" (انقلاب اسلامی پنجشنبه ۳ مهر - تا کیداز ما ست).

البته واضح است خرید لوازم یدکی ساخت آمریکا از کشورهای دیگر تغییری در اساس مساله نخواهد داد. و نه تنها در آمد حاصل از فروش این لوازم مستقیماً بحیب انحصارات آمریکایی سرازیر خواهد شد بلکه علاوه بر آن درصدی نیز نصیب دولت واسطه خواهد شد.

چند روزی از اظهار نظر جنگ کا نون گذشته بود که روزنامه میزان بنقل از خبرگزاری پارس نوشت: "خبرگزاری پارس بنقل از خبرگزاری فرانسه در پاریس - ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهوری ایران در یک مصاحبه تلفنی با رادیوی اروپا که دیروز انجام شد اعلام کرد کشورش موفق شده است قطعات یدکی برای ابزار جنگی و نظامی خود را بحد کافی برای جنگیدن تا روزی که سرزمینهای ایران بطور کامل از زیر یوغ صیبن آزاد شود، تا میز کند"

(میزان، چهارشنبه نهم مهر تا کیداز ما ست) البته منبعی که این لوازم از آن تامین شده است ذکر نگردیده است ولی روشن است که این منبع اگر خود دولتهاي امپریالیستی نباشند یکی از دولتهاي دست نشاندگان است. آقای بهشتی در مصاحبه پنجشنبه خود که در روزنامه جمهوری اسلامی چاپ شده است صراحتاً تعمیم را بر ایماها را در یونان (یونان سهرنگل) پذیرفت. این خریدها ضمن آنکه سود کلانی را به جیب انحصارات آمریکایی سرازیر میکند دولت را وادار خواهد کرد تا امتیازات بیشتری به امپریالیسم آمریکا بدهد و بیش از پیش ایران را وابسته به امپریالیسم آمریکا سازد. بدون چنین خریدهای و بدون حمایت امپریالیسم آمریکا در زمینه تامین قطعات یدکی و مهمات جنگی دولت ایران به هیچوجه قادر به ادامه جنگ نخواهد بود. این خریدها همچنین ارتش را محبوس تر خواهد ساخت تا بتواند بهتر، بیشتر، و وسیع تر به سرکوب توده ها

بپردازد؟ دولت که تا دیروز به علت مخالفت توده های مردم نمیتوانست بخیردهای کلان و آشکار لوازم جنگی از آمریکا اقدام کند و بطور مخفیانه این خریدها انجام میداد، امروز با عوام فریبی، این خریدها را توجیه میکند و با این استدلال که برای ادامه جنگ این لوازم باید تهیه شود آشکارا اقدام به خریدهای کلان نموده است.

هنگامی که روزنامه کیهان بنقل از خبرگزاری فرانسه مینویسد: "به گزارش روزنامه النهار جنگ ایران و عراق منافع بیشماری عاید کشورهای صنعتی خواهد کرد" و یا "کشورهای صنعتی، شش میلیار د دلار از جنگ ایران و عراق سود برده اند" حقیقتی را آشکار کرده است که بیانگرسودهای کلانی است که از این جنگ عاید انحصارات امپریالیستی شده است.

### ۲- منسجم تر شدن ارتش و تقویت مواضع در برابر سایر نیروهای مسلح:

ارتش در جریان قیام و پس از آن ضربات سنگینی خورد و انسجام درونی و نظم بورژوازی حاکم بر آن دچار اخلال گردید. علی رغم کوششهای هیئت حاکمه و بویژه لیبرالها برای با زسازی ارتش، ارتش فاقد انسجام و نظم سابق است. برخی از فرماندهان آن پس از قیام با زنشسته شدند و برخی دیگر در جریان کشف توطئه کودتا دستگیر شدند. فعالیت پرسنل انقلابی در درون ارتش گسترش یافته و مشکلات فراوانی بتهیه در صفحه ۱۱

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



# گرامی باهیا د انقلابی کیر رفیق چهگورا



از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

## خاطرات یک رفیق از همایون کنیرانی در زندان

# آنچه از «همایون» آموختیم

ساواک مرتب زندانیان را از زندانی به زندانی دیگر و از سلولی به سلول دیگر منتقل می کرد. و در جریان چنین نقل و انتقالاتی بود که یک روز، در تابستان ۱۳۵۸، در زندان قدیمی اوین، همایون کنیرانی رسول های آنرا باقی مانده بود.

در جریان بازجویی و محاکمه، همایون گفته بود که ما در مورد هدف راه پیمایی (که گویا کلود به پاسکو و کمون پند و خورده و کمونگرده بود) حسین کریمی در آن ترابریک متعلق به ما مور به شا در رسید ما است. قتی ما در زندان کم و کیف قضا با او می پرسیدیم ترخیص می داد که لبخند معنی داری سکوت کند. ولی بهر حال این از ماواردا تمام او رپرونده ما شد.

ما یون، ساواک، ناصر کریمی (برادر حسین) را با ما باقی با بازجویی می کشیدند و او را در بازجویی ها درگیر می کردند و با او سعی در دستگیر شدن ما بودند. صر، که مدتی پیش از همایون دستگیر شده بود از ما جدا شده بودند. کنجه دیده همایون محبوبش، جالنتی نزدیک به جئون یافته بود.

سرقت تا شلاق را بگیرد و باز جوها را با تمام خشم و کینه بی پایانش زیر ضربات شلاق قطعه قطعه کند. باز جوها وحشت زده از حالت او چهجهها و متوجه شد ه بودند که چه اشتباهی کرده اند. بسا شوری سلاقی را از دست او خارج کرد و با جان خودش قاتل بود. رفقای ارمان خلق، تنها اسطوره شجاع و مقاوت نبودند، طور عشق و محبت نیز بودند. عشق بیکران به خلق و محبت بپایان به یکدیگر، دبستگی این رفقا به یکدیگر و بیوز به عشق سرشار ستایش و احترام آنان نسبت به همایون، چیزی در حد افسانه نبود. کل می کردند که چگونه در سلول های آنرا قتل قلعه، هوشنگ قل با استفا ده از غفلت نگهبانان در هنگام رفتن به دستشویی، در ول همایون را باز کرد و به دوولین دور رفیق یکدیگر را در آغوش گرفته ق بوسه کرد و می خوردند. این یک قاتل شکی بزرگ و یک عمل بسیار هورا نه در زندان های ساواک بود، اما این بوسه های رفیقانه میخیزه شک شوق، ارزش هرگونه تنبیهی را داشت.

«چهگورا» انقلابی کیر و یکی از رهبران برجستگان انقلاب پیر و رمد کوبا است که ما من با حسن های رهانین خیر حسکان آمریکا ای لائین بیوندی حدانسی با فاندناست و شخصیت انقلابی بین هموارال کونی برای انقلابیون بوده هوست. «چه» در ۱۶ روت ۱۹۲۸ (۱۳۰۷) در رورازنی آراسن بدنیآ مد. در سنین بوجوانی با مارکسیسم - لنینیسم آشنا شد. او در اواخر سالهای تحصیلي دبیر ستان و بخضرمین دریانسان دوره پزشکی موفق شد. به کشورهای مختلف آمریکا لاسر سفر کند و فقر و فلاکت و کمکان این فاره زیر سلطه ازمردک ببینید. او که در این سفرها آمار حساب و وجیا و ذکر بیبای امیرالیستینهارا دیده بود. خشم و کینه اش بهامیرالیسم پیسر عشق و ایمان به هائی ز حنکسان فرور میسند. از این بیسن برای «چه» دیگر خدمت به خلق بیواسبت محدودیت بود خدمت پزشکی و پژوهشهای علمی باید. او بدرستی در می یافت که با بدریسا ساسی و علل عمد هبدختی وسیه فروری ز حنکسان را شناخت و آن بهما رزاهای بی امان برحاسبت. از همین رویدنبال فعالیتینهای سیاسی اش در «پرو» کلمنا «کواتمالا» و «کاستاریکا» بهیکامی که حنکسان انقلابی رحنکسان کوبارویا اعتلا میگذاشت (در سال ۱۹۵۶) به فیدل کاسترو و هموزمان او پیوست.

عشق بی پایان «چه» به آزمان کارگران و زحمتکشان از کیر و اراده پولادین در مبارزه با امیرالیسم از سوی دیگر، او را آنچنان قدرتمند و توانا ساخته بود که در فاصله کوتاهی توانست استعدادها و قابلیت های سیاسی و نظامی خود را تا حدیکه ریسر بر جسته افزایش دهد و بمانا پسر زندانی مومنه و انسانی طراز نوین الکوزی انقلابیون دنیا شود.

«چه» که در مبارزه با دشمن درهای رحم در وجودش نبود، در عوض باز حنکسان و یاران ایشان مهر با نترین و پیر عا طفه ترین انسانها بود. روابط «چه» با همسر و فرزندانش نمونه های ارزو باط نوین انسانی و مظهر عشق و خصائل کمونیستی بود. «چه» بهمان اندازه که در رهبری نظامی، استعداد های شگفتی از خود نشان داده است، در حزمیندی و تثوریزه کردن تجارب

انقلاب کوبا از معدود کسانی است که با نرس های تجارب برارسی ارهممودها و اصول و اسالبت حکمهای با نرس های او مور بیرون به کار سیاسی و فعالیت های انقلابیست. «چهگورا» در آنرا از ررمندی خون؛ انسان و سوسالیم در کوبا - حکم با نرس های یک روز سارده - خاطرات حکمهای رهانین حسن کوبا، خاطرات بولیون و... تجارب انقلابی خود و مسائل انقلاب با نرسها تیجاس لائین را نیز به کرده در اخیسار انقلابیون جهان فرار داده است. البته ما باید فراموش کرد که «چه» هم ما بند سنازی از کمونیست های بر سرور، بحاطر بی باکی و خسارت های که در سنازی از خود نشان داد، مورد حمله یور بوسینهای بی عمل فرانسویست و او «ما خراج و وحی» نارسبت «هم گفته اند» است در اینجا بخبر اکد خودا و در اینجا به (در زمانهای بند و رومنا در نرسه نقل کنیم. «بار دیگر با سنه های کسمر از ور کسیده ام و سیرید و سیرا و دیگری رامبیما»... هیچ چیز در جوهرم به غیر سنافه، بحرانکه بسیار آگاهیم و ما ر کسیم در من رسید و اند ما بیک کسسه است. من بسیار هملحا به بنما به سناها محل آن خلدیم که برای رهائی خویش می ررمند عمید دارم و در عفا میم یکسرم بسیاری را اما چرا جو خواهد خوانند. ما خراجوشیم، سناها از کونای دیگر از آن کوسیده جان خود را اینجا طره می اندازد. رما نتر و انحقق کند...

آری برای آنها که «به ما ر کسیم لم داده اند» - برای رفیق مس ها و همها آنها که با غم و درد و سادی و بر دگی بود هها بیگانه اند و در منجلاب پاسیفیسم بوسیده و یا در حال بوسیدند، هرگز ممکن نیست که سورا نقلاتی از خود بکنند پس آنرا هرگز را انعکاس مجموعه بندی مبارزاتی و محصولی از خشم و کینه بندها دانند. آنها با برداشتهای قالبی از ما ر کسیم، تصور میکنند که کوسید ها آدمهای تو کسیده و مرمی هستند که فقط میوان در سب مبر و در بحثها و حرفها، طرفداریشان را از طبقه کارگرو رشتان را در بقیده در صفحه ۱۱

که تفاوت میان او و دیگران در خدمت قابل تسخیر بود. (خود همایون تعریف می کرد که چگونه کار در سلول های آنرا دی اوین با پای خود را به یک سمت دیوار و دست خا... زیرا به دیوار سمت مقابل نگاه داد و بود و به این ترتیب در حالت معلق در هوا خود را بتدریج با حرکت دادن دست و پای بالا کشید و به درگاه کامله مسقف سلول - که ارتفاع زیادی داشت - رسید. و آنقدر در آن بالا ماند و به سمت زمین نماشای بیرون از پنجره سلول که نزدیک به سقف بود - که نگهبان سر رسید بود و با وحشت متوجه شد که به سقف سلول خالی است. بالاخره نگهبانها همایون را که هنوز به سقف چسبیده بود پیداکرده بودند و با لنتس و نضرع (بخاطر ترس از مواخذها فوق) خواهش کرده بودند که پایین بیاید. و طبیعاً کسی که چنین کاری می کند هم از نظر طول قد و هم از نظر قدرت بدنی با آدمهای حد متعارف، تفاوت محسوس باید داشته باشد.